دعا و درمان

با

کتاب و سنّت

**تألیف:**

**سعید بن علی بن وهف قحطانی**

**به کوشش:**

**فاروق رستمی‌تبار**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | دعا و درمان با کتاب و سنت | | | |
| **تألیف:** | سعید بن علی بن وهف قحطانی | | | |
| **به کوشش:** | فاروق رستمی‌تبار | | | |
| **موضوع:** | آداب و رسوم اسلامی – دعا، ذکر و مناجاتنامه | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری | | | |
| **منبع:** |  | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | |  | | |
|  | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | |

*بسم الله الرحمن الرحيم*

فهرست مطالب

[فهرست مطالب ‌أ](#_Toc433110801)

[پیشگفتار 1](#_Toc433110802)

[مقدمه 3](#_Toc433110803)

[فضیلت دعا 6](#_Toc433110804)

[آداب دعا و اسباب اجابت 7](#_Toc433110805)

[اوقات و حالت‌ها و مکان‌هایی‌که دعا در آن‌ها اجابت می‌گردد 9](#_Toc433110806)

[دعاهایی از کتاب و سنت 12](#_Toc433110807)

[دعاهای مسنونه 20](#_Toc433110808)

[اهمیت معالجه با کتاب و سنت 45](#_Toc433110809)

[مقدمه 45](#_Toc433110810)

[1- علاج سحر (جادو) 51](#_Toc433110811)

[2- علاج چشم‌زخم 62](#_Toc433110812)

[3- علاج و آمیختگی جنی با انسان 64](#_Toc433110813)

[4- معالجۀ بیماری‌های درونی 65](#_Toc433110814)

[5- معالجه دمل و زخم 70](#_Toc433110815)

[6- علاج و گرفتاری 71](#_Toc433110816)

[7- درمان غصه و اندوه 74](#_Toc433110817)

[8- درمان سختی و فشار 75](#_Toc433110818)

[9- درمان و معالجه مریض برای خود 76](#_Toc433110819)

[10- هر مسلمانی‌که به عیادت مریض برود 76](#_Toc433110820)

[11- معالجه: اضطراب و هراس در خواب 76](#_Toc433110821)

[12- معالجه تب 76](#_Toc433110822)

[13- معالجه گزیدن و نیش زدن 77](#_Toc433110823)

[14- معالجه غضب و خشم 77](#_Toc433110824)

[15- معالجه با سیاه‌دانه 78](#_Toc433110825)

[16- معالجه با عسل 78](#_Toc433110826)

[17- معالجه با آب زمزم 78](#_Toc433110827)

[18- مداوا و معالجه بیماری‌های قلب 79](#_Toc433110828)

[بیماری‌های قلب دو نوع می‌باشد: 81](#_Toc433110829)

پیشگفتار

اَلْـحَمْدُ ﷲِ رَبِّ الْعالَمِينَ والصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلَى سَيِّدِ الْـمُرسَليِنَ وَ عَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعيِن.

«دعاء از کتاب و سنت» ترجمۀ است از بخش اول کتاب «الذِّكْرُ وَالدُّعَاءُ وَالْعِلاَجُ بِالُّرقَى مِنَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ» تألیف دکتر سعید بن علی بن وهف قحطانی، با این توضیح که قسمت دوم این کتاب، بنام «معالجه با نسخه قرآن و سنت» توسط ناصر مطلبی قولنجی در انتشارات حسینی اصل ارومیه به چاب رسیده است.

**جهت ترجمه کتاب فوق از منابع زیر استفاده شده است:**

1- قرآن کریم.

2- الحصن الحصين من كلام المرسلين «پناهگاه مؤمنین» از امام محمد بن محمد جزری*/*، ترجمه و توضیح استاد مولانا محمد قاسم قاسمی، ناشر: شیخ الاسلام احمد جام.

3- حصن المسلم من أذكار الكتاب و السنة «پناهگاه مسلمان»، تألیف دکتر سعید بن علی بن وهف قحطانی، مترجم دکتر یونس یزدان پرست، ناشر: حرمین زاهدان.

به امید این که کتاب مورد نظر بتواند مورد توجه دوستداران شریعت و سنت نبوی قرار بگیرد.

﴿رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ٢٣﴾ [الأعراف: ٢٣].

«پروردگارا! ما بر خویش ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رحمت و رأفت نفرمایی از ستمکاران شده‌ایم».

فاروق رستمی‌تبار

مقدمه

حمد و ستایش خاص خداوند است او را سپاس می‌گوییم و از او استعانت و استغفار می‌طلبیم، و از بدی‌های درون و زشتی‌های نهان به او پناه می‌بریم. هر که را خدایش هدایت کند او را گمراه‌کنندۀ نیست و هر که او گمراهش کند او را هدایت‌گری نیست و گواهی می‌دهم که معبود به حقی جز خداوند نیست یگانه است و او را شریکی نیست و گواهی می‌دهم که محمدص بندۀ و رسول اوست. درود و سلام فراوان بر او و آل و یاران او باد.

اما بعد:

این خلاصۀ از کتابم «الذکر والدعاء والعلاج بالرُّقی» می‌باشد که بخش دعای آن را مختصر نمودم، تا بهره‌گیری از آن آسان گردد و دعاها و نکته‌های سودمند به آن اضافه نمودم، و خداوند را با اسماء نیک و صفات عالیه‌اش فرا می‌خوانم که آن را محض رضای خود قرار دهد، و او ولی و بر آن قادر و تواناست.

درود و سلام خداوند بر پیامبر ما محمدص

مؤلف

سعید بن علی بن وهف القحطانی

در ماه شعبان 1408 هـ تحریر گردید

﴿وَلِلَّهِ ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ فَٱدۡعُوهُ بِهَاۖ وَذَرُواْ ٱلَّذِينَ يُلۡحِدُونَ فِيٓ أَسۡمَٰٓئِهِۦۚ سَيُجۡزَوۡنَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٨٠﴾ [الأعراف: ١٧٩].

«و خدا را نام‌هایی نیکوست، بخوانید خدا را به آن نام‌ها و آنان که در نام‌های خدا کفر و عناد می‌ورزند به خود واگذارید که به زودی به کردارشان مجازات خواهند شد».

و این اسماء (نام‌های) است که آمده:[[1]](#footnote-1)

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| الله  الأول  الأخر  الظاهر  الباطن  العلي | الأعلى  المتعال  العظيم  المجيد  الكبير  السميع | البصير  العليم  الخبير  الحميد  العزيز  القدير | القادر  المقتدر  القوي  المتين  الغني  الحكيم | الحليم  العفو  الغفور  الغفار  التواب  الرقيب | الشهيد  الحفيظ  اللطيف  القريب  المجيب  الودود |
| الشاكر  الشكور  السيد  الصمد  القاهر  القهار | الجبار  الحصيب  الهادي  الحكم  القدوس السلام | البر  الوهاب  الرحمن  الرحيم  الكريم  الأكرم | الرؤوف  الفتاح  الرازق  الرزاق  الحي  القيوم | الرب  الملك  المليك  الواحد  الأحد  المتكبر | الخالق  الخلاق  الباري  المصور  المؤمن  المهيمن |
| المحيط  المقيت  الوكيل  الكافي  الواسع  الحق | الجميل  الرفيق  الحيي  الستير  الإله  القابض | الباسط  المعطي  المقدم  المؤخر  المبين  المنان | الولي  المولي  النصير  الشافي  مالك  الملك  جامع الناس | نور السموات والأرض ذوالجلال والإكرام بديع السموات والأرض | |

فضیلت دعا

﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ٦٠﴾ [غافر: ٦٠].

«*و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، آنان که از عبادت من تکبّر می‌ورزند، (و خود را بزرگ‌تر از آن می‌دانند که مرا به فریاد خوانند) به زودی خوار و رسوا به دوزخ درآیند».*

و می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ فَلۡيَسۡتَجِيبُواْ لِي وَلۡيُؤۡمِنُواْ بِي لَعَلَّهُمۡ يَرۡشُدُونَ ١٨٦﴾ [البقرة: ١٨٦].

«و هنگامی‌که بندگانم از تو دربارۀ من بپرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی‌که مرا بخواند، پاسخ می‌گویم، پس آنان هم دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه را یابند».

و پیامبرص می‌فرماید:

«الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ»﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡ﴾ [غافر: ٦٠].

«دعا عین عبادت است». «پروردگار شما فرموده است: بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را»[[2]](#footnote-2).

و در روایت دیگری می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكُمْ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَيِيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِي مِنْ عَبْدِهِ إِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَيْهِ أَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْرًا».

«پروردگار بلند مرتبۀ شما زنده و والاست. هرگاه بنده‌اش دستانش را به سوی او دراز کند شرم می‌دارد آن‌ها را خالی باز گرداند». و پیامبرص می‌فرماید: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِثْمٌ وَلَا قَطِيعَةُ رَحِمٍ، إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِهَا إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا أَنْ تُعَجَّلَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَإِمَّا أَنْ يَدَّخِرَهَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ، وَإِمَّا أَنْ يَصْرِفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا» قَالُوا: إِذًا نُكْثِرُ ؟ قَالَ: «اللَّهُ أَكْثَرُ».

«هیچ مسلمانی خداوند را فرا نمی‌خواند با فراخوانی‌که در آن گناه و قطع صله رحم نباشد مگر اینکه خداوند با فراخوانی وی یکی از سه چیز را به وی عطاء نماید؛ یا اینکه در استجابت دعای وی شتاب نماید و یا آن را برای وی در آخرت ذخیره کند، و یا اینکه بدی و شری همچون خواسته او را از وی باز دارد، صحابه گفتند: پس ما بیشتر دعا می‌نماییم. پیامبرص فرمود: خداوند بیشتر است»[[3]](#footnote-3).

آداب دعا و اسباب اجابت

1. اخلاص برای خداوند.
2. دعا با حمد و ستایش خداوند آغاز گردد سپس با درود بر پیامبرص و ختم آن با درود بر او.
3. قاطعیت در دعا و باور یقینی به اجابت آن.
4. اصرارورزی در دعا و عدم شتاب.
5. حضور قلب در دعا.
6. دعا در آسایش و سختی.
7. تنها از خداوند درخواست کردن.
8. پایین آوردن صدا در هنگام دعا به طوری که بین پایین بودن و بالا بودن باشد.
9. اعتراف به گناه و طلب استغفار از آن و اعتراف به نعمت و شکرگذاری بر آن.
10. عدم تکلف در آوردن کلمات موزون در دعا.
11. دعا کردن با خشوع و زاری و امید و ترس.
12. برگرداندن اموال و دارایی غصب شده به صاحبانش همراه با توبه.
13. سه بار دعا کردن.
14. رو به قبله بودن.
15. بلند کردن دست‌ها در دعا.
16. وضوء داشتن هنگام دعا در صورت امکان آن.
17. عدم تجاوز و تعدی در دعا.
18. هرگاه دعا کننده برای دیگری دعا نمود دعا را برای خود شروع نماید.
19. با اسماء حسنی و صفات عالیه خداوند و یا با کردار نیکی‌که خود به آن پرداخته است و یا با دعای مرد صالح زندۀ که پیش او حضور دارد به خداوند متوسل شود.
20. خوراک، نوشیدنی، و پوشش او از حلال باشد.
21. به گناه و یا قطع صله رحم دعا نکند.
22. امر به معروف و نهی از منکر نماید.
23. دوری جستن از همۀ گناهان.
24. دوری جستن از بد دعای بر خانواده، مال، فرزند و نفس خود.

اوقات و حالت‌ها و مکان‌هایی‌که دعا در آن‌ها اجابت می‌گردد**[[4]](#footnote-4)**

1. شب قدْر
2. در دل شب
3. بعد از نمازهای فرض
4. میان اذان و اقامه
5. ساعتی از هر شب
6. هنگام اذان برای نمازهای فرض
7. هنگام باریدن باران
8. هنگام آماده شدن برای جهاد در راه خداوند
9. ساعتی از روز جمعه
10. و ارجح‌ترین اقوال در مورد اوقات اجابت دعا، آخرین ساعت از ساعت‌های عصر روز جمعه و چه بسا هنگام خطبه و نماز باشد.
11. هنگام نوشیدن آب زمزم با نیت پاک
12. در سجده
13. هنگام بیدار شدن در شب با دعای مأثور در این مورد
14. با داشتن وضو بخوابد سپس پاسی از شب بیدار گردد و دعا کند.
15. دعا نمودن با دعای: ﴿لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [الأنبياء: ٨٧] «هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم».
16. دعا بعد از ستایش خداوند و درود بر پیامبرص در تشهد اخیر در نماز
17. فراخواندن خداوند به اسم اعظم او که هرگاه به آن فراخوانده شود اجابت کند و هرگاه به آن از او درخواست شود عطا نماید[[5]](#footnote-5).
18. دعای مسلمان برای برادر مسلمانش در غیاب وی
19. دعای روز عرفه در عرفه (مکه)
20. دعا در ماه رمضان
21. هنگام اجتماع مسلمانان در مجالس ذکر خداوند
22. هنگام دعا کردن در مصیبت و گرفتاری، با این جمله‌ها: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللهُمَّ أْجُرْنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا»[[6]](#footnote-6).
23. دعا در حالت روی آوری قلب بر خداوند و فزونی یافتن اخلاص.
24. دعای مظلوم بر علیه آنکه به او ظلم کرده است.
25. دعای پدر برای فرزند و بر علیه فرزندش
26. دعای مسافر
27. دعای روزه‌دار تا هنگامی‌که افطار می‌کند
28. دعای روزه‌دار هنگام افطار
29. دعای نیازمند
30. دعای امام عادل
31. دعای فرزند نیکوکار برای والدینش
32. دعا بعد از وضو گرفتن با دعای مأثور درباره وضو
33. دعا بعد از رمی جمره (حج) کوچک
34. دعا بعد از رمی جمره میانه
35. دعا در درون کعبه و هر کسی در داخل حجر دعا و نماز خواند آن هم جزء بیت است.
36. دعا کردن بر روی کوه صفا
37. دعا بر روی کوه مروه
38. دعا در مشعرالحرام

و فرد مؤمن هر کجا باشد پروردگار خویش را فرا می‌خواند همچنان‌که قرآن می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌۖ أُجِيبُ دَعۡوَةَ ٱلدَّاعِ إِذَا دَعَانِۖ﴾ [البقرة: ١٨٦].

«هرگاه بندگانم از تو در مورد من بپرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را هرگاه مرا بخواند پاسخ می‌گویم»

ولیکن این اوقات و احوال و اماکن به عنایت بیشتری متمایز گشته‌اند.

دعاهایی از کتاب و سنت

الحمد لله وحده والصلاة والسّلامُ على منْ لا نبيَّ بعده

﴿رَبَّنَا ظَلَمۡنَآ أَنفُسَنَا وَإِن لَّمۡ تَغۡفِرۡ لَنَا وَتَرۡحَمۡنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٢٣﴾ [الأعراف: ٢٣] «پروردگارا! ما به خود ستم کردیم، و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی، مسلّماً از زیان‌کاران خواهیم بود».

﴿رَبِّ إِنِّيٓ أَعُوذُ بِكَ أَنۡ أَسۡ‍َٔلَكَ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ عِلۡمٞۖ وَإِلَّا تَغۡفِرۡ لِي وَتَرۡحَمۡنِيٓ أَكُن مِّنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ٤٧﴾ [هود: ٤٧].

«پروردگارا! همانا من به تو پناه می‌برم، که از توچیزی بخواهم که به آن علم ندارم، و اگر مرا نبخشی و بر من رحم نکنی، از زیان‌کاران خواهم بود».

﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيۡتِيَ مُؤۡمِنٗا وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۖ﴾ [نوح: ٢٨] «پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هرآن کس که با ایمان وارد خانة من شود، و (تمام) مردان مؤمن و زنان مؤمن را بیامرز».

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلۡ مِنَّآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ١٢٧ رَبَّنَا وَٱجۡعَلۡنَا مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةٗ مُّسۡلِمَةٗ لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبۡ عَلَيۡنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ١٢٨﴾ [البقرة: ١٢٧- ١٢٨].

«پروردگارا! از ما بپذیر، همانا که تویی شنوای دانا. \* پروردگارا! ما را فرمان‌بردار خودت قرار ده، و از فرزندان‌مان امتی فرمان‌بردار خود (پدید آور) و طرز عبادت‌مان را به ما نشان ده، و توبه ما را بپذیر، بدرستی که تو توبه‌پذیر مهربانی».

﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ ٤٠ رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡحِسَابُ ٤١﴾ [ابراهيم: ٤٠- ٤١].

« پروردگارا! مرا بر پا دارندۀ نماز قرار بده، و از فرزندانم (چنین فرما)، پروردگارا! و دعای مرا بپذیر! \* پروردگارا! مرا و پدر و مادر مرا، و مؤمنان را (در) روزی‌که حساب بر پا می‌شود بیامرز».

﴿رَبِّ هَبۡ لِي حُكۡمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ٨٣﴾ [الشعراء: ٨٣].

«پروردگارا! به من (دانش و) حکمت ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن».

﴿وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ ٨٥﴾ [الشعراء: ٨٥].

«و مرا از وارثان بهشت پر نعمت بگردان».

﴿وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ يُبۡعَثُونَ ٨٧﴾ [الشعراء: ٨٧].

«و در روزی‌که همه مردم بر انگیخته می‌شوند مرا رسوا وشرمنده مکن».

﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٠٠﴾ [الصافات: ١٠٠].

«پروردگارا! به من (فرزندی) از صالحان عطا فرما».

﴿رَّبَّنَا عَلَيۡكَ تَوَكَّلۡنَا وَإِلَيۡكَ أَنَبۡنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٤﴾ [الممتحنة: ٤].

« پروردگارا! بر تو توکل کردیم، و به سوی تو روی آوردیم، و بازگشت (همه) به سوی توست».

﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ وَٱغۡفِرۡ لَنَا رَبَّنَآۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٥﴾ [الممتحنة:5].

«پروردگارا! ما را دستخوش (فتنه) کافران قرار مده، و ما را بیامرز ای پروردگار ما! بی‌گمان تو پیروزمند حکیمی».

﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَدۡخِلۡنِي بِرَحۡمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ ١٩﴾ [النمل: ١٩].

«پروردگارا! به من توفیق ده تا شکر نعمت‌هایی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشتۀ بجای آورم، و (توفیق عطا فرما تا) کار (های) شایستۀ که تو خشنود شوی، انجام دهم، و مرا به رحمت خود در (زمرۀ) بندگان صالحت در آور».

﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةٗ طَيِّبَةًۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ٣٨﴾ [آل‌عمران: ٣٨]

«پروردگارا! از طرف خود فرزند پاکیزۀ به من عطا کن، به درستی توشنونده دعایی».

﴿رَبِّ لَا تَذَرۡنِي فَرۡدٗا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلۡوَٰرِثِينَ ٨٩﴾ [الأنبياء: ٨٩].

«پروردگارا! مرا تنها مگذار، و تو بهترین وارثانی».

﴿لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبۡحَٰنَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٧﴾ [الأنبياء: ٨٧].

«(پروردگارا!) هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم».

﴿قَالَ رَبِّ ٱشۡرَحۡ لِي صَدۡرِي ٢٥ وَيَسِّرۡ لِيٓ أَمۡرِي ٢٦ وَٱحۡلُلۡ عُقۡدَةٗ مِّن لِّسَانِي ٢٧ يَفۡقَهُواْ قَوۡلِي ٢٨﴾ [طه: ٢٥- ٢٨].

«(موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را برایم بگشا. و کارم را برایم آسان گردان. و گره از زبانم باز کن. تا سخنانم را بفهمند».

﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي فَٱغۡفِرۡ لِي﴾ [القصص: ١٦].

«پروردگارا! من به خود ستم کردم، پس مرا ببخش».

﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا بِمَآ أَنزَلۡتَ وَٱتَّبَعۡنَا ٱلرَّسُولَ فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٥٣﴾ [آل‌عمران: ٥٣]. «پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم؛ پس ما را از زمره گواهان بنویس».

﴿رَبَّنَا لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ لِّلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ٨٥ وَنَجِّنَا بِرَحۡمَتِكَ مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٨٦﴾ [يونس: ٨٥- ٨٦].

«پروردگارا! ما را دستخوش فتنۀ گروه ستمگر قرار نده، \* و به رحمتت ما را از (شر) گروه کافران نجات بده».

﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسۡرَافَنَا فِيٓ أَمۡرِنَا وَثَبِّتۡ أَقۡدَامَنَا وَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ١٤٧﴾ [آل‌عمران: ١٤٧].

«پروردگارا! گناهان ما را بیامرز، و از زیاده روی ما، در کارمان (بر ما بیامرز) و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران، پیروز گردان».

﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةٗ وَهَيِّئۡ لَنَا مِنۡ أَمۡرِنَا رَشَدٗا ١٠﴾ [الكهف: ١٠].

«پروردگارا! ما را از سوی خود رحمتی عطا کن، و راه نجاتی بر ایمان ما فراهم ساز».

﴿رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنۡ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ٩٧ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحۡضُرُونِ ٩٨﴾ [المؤمنون: ٩٧- ٩٨].

«پروردگارا! من از وسوسه‌های شیطان به تو پناه می‌برم، \* و پروردگارا! از اینکه آنان نزد من حاضر شوند، به تو پناه می‌برم».

﴿رَّبِّ ٱغۡفِرۡ وَٱرۡحَمۡ وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١١٨﴾ [المؤمنون: ١١٨].

«پروردگارا! ببخش و رحم کن! و تو بهترین رحم کنندگانی».

﴿رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ وَفِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ٢٠١﴾ [البقرة: ٢٠١] «پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت (نیز) نیکی (عطا فرما) و ما را از عذاب آتش نگه دار».

﴿سَمِعۡنَا وَأَطَعۡنَاۖ غُفۡرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيۡكَ ٱلۡمَصِيرُ ٢٨٥﴾ [البقرة: ٢٨٥].

«شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را (خواهانیم) و بازگشت به سوی توست».

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦﴾ [البقرة: ٢٨٦].

«پروردگارا! اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه نکن، پروردگارا! بارگران (و تکلیف سنگین) را بر (دوش) ما مگذار، چنانکه آن را بر (دوش) کسانی‌که پیش از ما بودند؛ گذاشتی، پروردگارا! آنچه را که طاقت تحمل آن را نداریم بر (دوش) ما مگذار، و ما را بیامرز و به ما رحم فرمای. تو مولا و سرور مایی پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان».

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا بَعۡدَ إِذۡ هَدَيۡتَنَا وَهَبۡ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحۡمَةًۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٨﴾ [آل‌عمران: ٨]

«پروردگارا! دل‌های ما را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان، و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش براستی که تو بخشنده‌ای».

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقۡتَ هَٰذَا بَٰطِلٗا سُبۡحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٩١ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدۡخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدۡ أَخۡزَيۡتَهُۥۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ أَنصَارٖ ١٩٢ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعۡنَا مُنَادِيٗا يُنَادِي لِلۡإِيمَٰنِ أَنۡ ءَامِنُواْ بِرَبِّكُمۡ فَ‍َٔامَنَّاۚ رَبَّنَا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرۡ عَنَّا سَيِّ‍َٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلۡأَبۡرَارِ ١٩٣ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخۡزِنَا يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۖ إِنَّكَ لَا تُخۡلِفُ ٱلۡمِيعَادَ ١٩٤﴾ [ال‌عمران: ١٩١- ١٩٤].

«پروردگارا این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای، منزهّی تو! پس ما را از عذاب آتش (دوزخ) نگاه دار. \* پروردگارا! کسی را که تو به آتش (دوزخ) در آوری، یقیناً او را خوار و رسوا کرده‌ای، و برای ستمکاران یاورانی نیست. \* پروردگارا! ما شنیدیم که ندا دهندۀ به ایمان فرا می‌خواند، که: «به پروردگار خود ایمان بیاورید» پس ایمان آوردیم، پروردگارا! پس گناهان ما را ببخش، و بدی‌های ما را بپوشان، و ما را با نیکان بمیران. \* پروردگارا!آنچه را که بر (زبان) فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن، و ما را در روز قیامت رسوا مگردان، بدرستی که تو خلاف وعده نمی‌کنی».

﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَا وَأَنتَ خَيۡرُ ٱلرَّٰحِمِينَ ١٠٩﴾ [المؤمنون: ١٠٩].

«پروردگارا! (ما) ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن، و تو بهترین رحم کنندگانی».

﴿رَبَّنَا ٱصۡرِفۡ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَۖ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ٦٥ إِنَّهَا سَآءَتۡ مُسۡتَقَرّٗا وَمُقَامٗا ٦٦﴾ [الفرقان: ٦٥- ٦٦].

«پروردگارا! عذاب جهنم را از ما بر‌طرف کن، بی‌تردید عذابش (سخت و) پایدار است. (65) بی‌گمان آن (جهنم) بد قرار‌گاه و (بد) اقامت‌گاهی است».

﴿رَبَّنَا هَبۡ لَنَا مِنۡ أَزۡوَٰجِنَا وَذُرِّيَّٰتِنَا قُرَّةَ أَعۡيُنٖ وَٱجۡعَلۡنَا لِلۡمُتَّقِينَ إِمَامًا ٧٤﴾ [الفرقان: ٧٤] «پروردگارا! از همسران‌مان، و فرزندان‌مان مایۀ روشنی چشم به ما عطا فرما، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا قرار بده».

﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَصۡلِحۡ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓۖ إِنِّي تُبۡتُ إِلَيۡكَ وَإِنِّي مِنَ ٱلۡمُسۡلِمِينَ ١٥﴾ [الأحقاف: ١٥].

«پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم و کار شایستۀ انجام دهم که تو از آن خشنود شوی، و فرزندانم را صالح گردان، بی‌گمان من به سوی تو بازگشتم (و توبه نمودم)، و بی‌شک من از مسلمانانم» .

﴿رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لَنَا وَلِإِخۡوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلۡإِيمَٰنِ وَلَا تَجۡعَلۡ فِي قُلُوبِنَا غِلّٗا لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٞ رَّحِيمٌ ١٠﴾ [الحشر: ١٠].

«پروردگارا! ما را و برادران‌مان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز، و در دل‌های مان کینۀ نسبت به کسانی‌که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی».

﴿رَبَّنَآ أَتۡمِمۡ لَنَا نُورَنَا وَٱغۡفِرۡ لَنَآۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ٨﴾ [التحريم: ٨].

«پروردگارا! نور ما را به تمام (و کمال) برسان، و ما را بیامرز بی‌گمان تو بر هرچیز توانایی».

﴿رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ١٦﴾ [آل‌عمران: ١٦].

«پروردگارا! به راستی ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را بیامرز، و ما را از عذاب آتش نگاه دار» .

﴿رَبَّنَآ ءَامَنَّا فَٱكۡتُبۡنَا مَعَ ٱلشَّٰهِدِينَ ٨٣﴾ [المائ‍دة: ٨٣].

«پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس».

﴿رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا ٱلۡبَلَدَ ءَامِنٗا وَٱجۡنُبۡنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعۡبُدَ ٱلۡأَصۡنَامَ٣٥﴾ [ابراهيم: ٣٥] «پروردگارا! این شهر (مکه) را مکان امن قرار بده، و مرا و فرزندانم را از آنکه بت‌ها را پرستش کنیم دور بدار».

﴿رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلۡتَ إِلَيَّ مِنۡ خَيۡرٖ فَقِيرٞ ٢٤﴾ [القصص: ٢٤].

«پروردگارا! من هرخیری که بر من بفرستی نیازمند هستم».

﴿رَبِّ ٱنصُرۡنِي عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٣٠﴾ [العنكبوت: ٣٠].

«پروردگارا! مرا بر قوم مفسدان یاری فرما».

﴿حَسۡبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ﴾ [التوبة:١٢٩]

«الله برای من کافی است، هیچ معبودی (به حق) جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش عظیم است».

﴿عَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يَهۡدِيَنِي سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ٢٢﴾ [القصص: ٢٢].

«امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند».

﴿رَبِّ نَجِّنِي مِنَ ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [القصص: ٢١].

«پروردگارا! مرا از قوم ستمکار نجات بده».

دعاهای مسنونه

1. «اللهمّ آتِنَا فِي الدُنيَا حَسَنَة، وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَة وَقِنَا عَذَابَ النَار».

«خدایا! در دنیا و در آخرت به ما حسنه و نیکی عطا کن و مرا از عذاب آتش نجات ده»[[7]](#footnote-7).

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْغِنَى، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ».

«خدایا! به تو پناه می‌برم از فتنه جهنم و عذاب جهنم، فتنه قبر، و عذاب قبر، و شرّ فتنه ثروتمندی، و شرّ فتنه فقر».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَّالِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْ قَلْبِي بِمَاءِ الثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّ قَلْبِي مِنْ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنْ الدَّنَسِ، وَبَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ الْكَسَلِ وَالْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ».

«خدایا! از شرّ فتنه دجّال به تو پناه می‌جویم، خدایا درونم را با آب برف و تگرگ شستشو ده، و همچنان‌که لباس و پارچه سفید را از آلودگی پاک نموده‌ای درونم را نیز از خطایا پاک کن، همانطور که میان مشرق و مغرب فاصله ایجاد کرده‌ای میان من و خطاهایم نیز دوری و فاصله به وجود آور. خدایا! من از کسالت و گناه و زیان به تو پناه می‌برم»[[8]](#footnote-8).

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْهَرَمِ، والْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ»**.**

«خدایا من از ناتوانی و ضعف و ترسویی و پیری و بخل‌ورزی به تو پناه می‌برم و از عذاب قبر و از فتنه و امتحان زنده شدن و مردن به تو پناه می‌آورم»[[9]](#footnote-9).

1. «اللهم إنِّي أعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ».

«خدایا! من از فشار مصیبت و رسیدن به شقاوت و بدبختی و عاقبت شری و کینه‌توزی دشمنان به تو پناه می‌آورم».

1. «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ».

«خدایا! دینم را که سبب لغزش‌ناپذیری در زندگی است و دنیایم را که معیشتم در آن است اصلاح کن و آخرتم را که معادم در آن قرار گرفته است اصلاح کن، و زندگی و حیاتم را در تمام خیر و نیکی افزایش ده و مرگ را برایم از هر شرّ و سختی دیگر آسان‌تر کن»[[10]](#footnote-10).

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى، وَالتُّقَى، وَالْعَفَافَ، وَالْغِنَى».

«خدایا! هدایت و پرهیزگاری و عفت و بی‌نیازی را از تو می‌طلبم»[[11]](#footnote-11).

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَالْهَرَمِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَزَكِّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا».

«خدایا! از ضعف و کسالت و ترسویی و بخل‌ورزی و پیری و عذاب قبر به تو پناه می‌برم، خدایا! تقوای لازم را به نفسم عطا بخش، و آن را تزکیه و پرورش ده تو بهترین کسی هستی که آن را پاک و تزکیه می‌نمائی، تو سرپرست و صاحب آن می‌باشی خدایا من از علم بی‌سود و فایده و از قلب بی‌خشوع و از نفس سیرناپذیر و دعای بی‌جواب به تو پناه می‌آورم»[[12]](#footnote-12).

1. «اللَّهُمَّ اهْدِنِي وَسَدِّدْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالسَّدَادَ».

«خدایا! مرا هدایت و محکم کن، خدایا! هدایت و استحکام را از تو می‌طلبم»[[13]](#footnote-13).

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ».

«خدایا! از زایل شدن نعمت تو و از بین رفتن تندرستی تو، و ناگاه گرفتن عذابت و تمام خشم‌هایت به تو پناه می‌آورم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ، وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ».

«خدایا از شرّ آنچه انجام داده‌ام و از شر آنچه را که انجام نداده‌ام به تو پناه می‌جویم»[[14]](#footnote-14).

1. «اللَّهُمَّ أكْثِرْ مَالِي، وَوَلَدِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أعْطَيْتَنِي» «وَأطِلْ حَيَاتِي عَلَى طَاعَتِكَ، وَأَحْسِنْ عَمَلِي، وَاغْفِرْ لِي».

«خدایا به مال و فرزندم فزونی بخش و در آنچه که به من داده‌ای برکت قرار ده[[15]](#footnote-15) و حیاتم را بر طاعت خود طولانی کن و کردارم را نیک گردان و مرا ببخشای»[[16]](#footnote-16).

1. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ».

«نیست معبودی به حقی جز خداوند جلیل و بردبار هیچ معبود به حق جز خداوند پروردگار عرش عظیم نیست هیچ معبودی جز خداوند پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش بلندمرتبه نیست»[[17]](#footnote-17).

1. «اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

«خدایا رحمت تو را می‌خواهم لحظۀ مرا به نفسم واگذار مکن و تمام حالاتم را اصلاح کن معبود به حقی جز تو نیست».

1. «لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

«هیچ معبود به حقی جز تو نیست پاک و منزهی من از ستم‌کنندگانم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ،أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي».

«خدایا! من بندۀ تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو می‌باشم. تحت سلطه و قدرت تو می‌باشم. حکم تو در مورد من قطعی است، و قضاوتت درباره‌ام عادلانه است و تو را با هر نامی‌که خود را به آن خوانده‌ای و یا در کتاب خود نازل فرموده‌ای یا آن را به هر کسی از مخلوق خود یاد داده‌ای و یا هر نامی‌که در علم غیب برای خود اختصاص داده‌ای درخواست و طلب می‌نمایم اینکه قرآن را بهار درون و نور سینه‌ام و بیرون راندن اندوه و بردن رنج و غصه‌ام قرار دهی»[[18]](#footnote-18).

1. «اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ القُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ».

«خدایا! ای دگرگون کنندۀ دلها! قلب‌های ما را بر طاعت خود دگرگون فرما»[[19]](#footnote-19).

1. «يَا مُقَلِّبَ القُلُوبِ ثَبِّت قَلْبِي عَلَى دِيـنِكَ».

«ای دگرگون کننده دل‌ها! قلبم را بر دینت استوار نما»[[20]](#footnote-20).

1. «اللَّهُمَّ إنِّي أسْألُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا، وَالآخِرَةِ».

«پروردگارا! تندرستی در دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم».

1. «اللهم أحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِي الأُمُورِ كُلِّهَا، وَأجِرْنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ». «خدایا! فرجام تمام کارهایمان را نیک گردان، و از خواری دنیا و عذاب آخرت مرا دور بدار».
2. «رَبِّ أَعِنِّي وَلَا تُعِنْ عَلَيَّ، وَانْصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ، وَامْكُرْ لِي وَلَا تَمْكُرْ عَلَيَّ، وَاهْدِنِي وَيَسِّرِ الهُدَى إِلَيَّ، وَانْصُرْنِي عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيَّ، رَبِّ اجْعَلْنِي لَكَ شَكَّارًا، لَكَ ذَكَّارًا، لَكَ رَهَّابًا، لَكَ مِطْوَاعًا، إِلَيْكَ مُخْبِتًا أَوَّاهاً مُنِيبًا، رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَاغْسِلْ حَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَثَبِّتْ حُجَّتِي، وَاهْدِ قَلْبِي، وَسَدِّدْ لِسَانِي، وَاسْلُلْ سَخِيمَةَ قَلْبِي».

«پروردگار من، مرا یاری نما و بر علیه من یاری و کمک نفرما و مرا پیروز گردان و بر من پیروز مگردان، برای من چاره کن و بر علیه من حیله نکن. و مرا هدایت ده و هدایت را به سوی من هموار کن، و مرا بر آن که بر من تجاوز کرده است پیروز گردان و پروردگارا مرا برای خود بسی شکرگزار و بسی ذاکر و بسی ترسان و بسی اطاعت‌کننده قرار ده، و به سوی تو فروتن و نالان و رجوع‌کننده باشم، پروردگار من! توبه‌ام را بپذیر، لغزش و گناهم را بشوی، و دعایم را اجابت کن، و حجتم را استوار و محکم نما، و قلبم را هدایت کن، زبانم را هدایت کن، دوده و کینۀ درونم را بیرون بیار»[[21]](#footnote-21).

1. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌص، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌص، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَعَلَيْكَ الْبَلَاغُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

«خدایا! ما از خیر آنچه که پیامبرت محمدص از تو خواسته است درخواست می‌نمائیم، از شرّ آنچه که پیامبرت محمدص به تو پناه جسته است پناه می‌جوییم، و تو کسی هستی‌که از تو استعانت می‌کنند، هیچ قدرتی بالاتر از قدرت خدا نیست».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِي، وَمِنْ شَرِّ بَصَرِي، وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي، وَمِنْ شَرِّ قَلْبِي، وَمِنْ شَرِّ مَنِـيِّي».

«خدایا! از شرّ گوش، چشم، زبان، قلب، خواسته و سرنوشتم به تو پناه می‌برم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ، وَالْـجُذَامِ، وَمِنْ سَيِّئِ الأَسْقَامِ». «خدایا! از دچار شدن به بیماری برص (پیسی) و دیوانگی و جذام (خوره) و از بیماری‌های پلید به تو پناه می‌برم».
2. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ، وَالْأَهْوَاءِ».

«خدایا! از اخلاق و کردار و آرزوهای ناپسند به تو پناه می‌جویم».

1. «اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ كَرِيمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي».

«خدایا! بی‌گمان تو بسی بخشنده و بلندمرتبه‌ای عفو و بخشش را دوست می‌داری پس مرا عفو کن»[[22]](#footnote-22)

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ، وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ، وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي، وَتَرْحَمَنِي، وَإِذَا أَرَدْتَ فِتْنَةَ قَوْمٍ فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مَفْتُونٍ، وَأَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَى حُبِّكَ».

«خدایا! انجام نیکی‌ها و ترک ناروایی‌ها و دوستی بی‌نوایان را از تو در خواست می‌نمایم. و از تو می‌خواهم که مرا ببخشید و به من رحم نمائید و هرگاه ارادۀ عذاب و ضلالت قومی را نمودی مرا بدون عذاب و محنت بمیران، عشق و علاقه به تو و حبّ آنکه تو را دوست می‌دارد و عشق به کرداری‌که مرا به سوی دوستی تو نزدیک گرداند از تو خواستارم»[[23]](#footnote-23).

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ: عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ [مَا اسْتَعَاذَ بِكَ] [مِنْهُ] عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ، وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ لِي خَيْرًا».

«خدایا! تمام خیر دنیا و آخرت آنچه را از آن آگاهم و آنچه را که از آن آگاه نیستم از تو خواهانم. و از شرّ دنیا و آخرت و آنچه که از آن آگاهی یافته و یا آگاهی نیافته‌ام به تو پناه می‌برم. خدایا! از خیر آنچه بنده و پیامبرت محمدص از تو جسته است را خواهانم، و از شرّ آنچه که پیامبرت محمدص از آن به تو پناه جسته است، پناه می‌آورم. خدایا! بهشت و گفتار و کردارهایی‌که بدان «مرا به تو» نزدیک می‌کند را خواستارم و از آتش و گفتار و کرداری‌که بدان «مرا به جهنم» نزدیک می‌نماید به تو پناه می‌برم، و از تو تقدیر و سرنوشت خیر و نیکی را خواهانم»[[24]](#footnote-24).

1. «اللَّهُمَّ احْفَظنِي بالإِسْلاَمِ قائِماً، واحْفَظْنِي بالإِسْلاَمِ قاعِداً، واحْفَظنِي بالإِسْلاَمِ راقِداً، ولا تُشْمِتْ بِي عَدُوّاً ولا حاسِداً. اللَّهُمَّ إِنِّي أسْألُكَ مِنْ كُلِّ خَيْر خزائِنُهُ بِيَدِكَ، وأعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ».

«خدایا! در حالت ایستاده و نشسته و خوابیده مرا با اسلام حفظ نما و دشمن و حسود را به من شاد و مسرور نگردان. خدایا! تمام خیرها را که خزانۀ آن در دست توست از تو می‌طلبم و از شرهایی‌که خزائن آن در دست توست پناه می‌برم»[[25]](#footnote-25).

1. «اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيـَتـِكَ مَا تَحُولُ بِهِ بَيْـنَنَا وَبَـيْنَ مَعَاصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّـتَكَ، وَمِنَ الْيَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ مَتِّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُوَّاتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَـأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا، وَانْصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِيـنِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْـبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا».

«خدایا! از حیث خود آنچه که ما را از گناه و معاصی تو باز می‌گرداند و از یقین آنچه که با آن گرفتاری‌های دنیا بر ما سبک آید، و از طاعت آنچه که ما را به بهشت تو نایل گرداند نصیب‌مان فرما، خدایا! تا وقتی‌که ما را زنده نگه‌داشته‌ای ما را از گوش و چشم و توانایی‌های‌مان برخوردار کن، انتقام ما را بر کسی‌که به ما ستم نموده قرار ده و ما را بر کسی‌که با ما عداوت و دشمنی نموده و گرفتاری‌مان را در دین‌مان قرار نده، دنیا را بزرگ‌ترین هدف و دغدغۀ ما قرار نده. کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلّط مگردان»[[26]](#footnote-26).

1. «اللَّهُمَّ إنِّي أَعوذُ بِكَ مِنَ الجُبْنِ، وَأعُوذُ بِكَ مِنَ البُخْلِ، وَأعُوذُ بِكَ مِنْ أنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْذَلِ العُمُرِ، وَأعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ القَبْرِ» «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَجَهْلِي، وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي هَزْلِي، وَجِدِّي، وَخَطَئي، وَعَمْدِي، وَكُلُّ ذَلِكَ عِنْدِي».

«خداوندا! از ترسویی به تو پناه می‌برم و از بخل به تو پناه می‌برم و از پیری به تو پناه می‌جویم و از فتنه دنیا و عذاب قبر به تو پناه می‌برم[[27]](#footnote-27). خدایا! گناه عمدی، نادانی و زیاده‌روی در گناه و آنچه که تو از من به آن آگاه‌تری مورد بخشش قرار ده. خداوندا! گناهی را که با شوخی و جدی و اشتباهی و عمدی از من سر زده است و تمام گناهانی که دارم برای من ببخشای»[[28]](#footnote-28).

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. فَاغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».

«خدایا! ظلم و ستمِ فراوانی به خود کرده‌ام جز تو کسی گناهان را نمی‌بخشد از مغفرت خود مرا مورد بخشش قرار ده و به من رحم کن. بی‌گمان تو بسی بخشنده و مهربان هستی»[[29]](#footnote-29).

1. «اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أَنَبْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُضِلَّنِي، أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْجِنُّ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ».

«خدایا! برای تو سر تسلیم فرود آوردم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکّل نمودم و به سوی تو برگشتم و به تو اقامه دعوی نموده‌ام، خدایا! از این‌که مرا گمراه گردانی پناه می‌برم قسم به عظمتت هیچ معبود به حقی نیست جز تو، تو زندۀ‌ هستی که نمی‌میرد و جن و انس می‌میرند».

1. «اللَّهُمَّ إنَّا نَسْألُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ، والسَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، والغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ، والفَوْزَ بالجَنَّةِ، والنَّجاةَ مِنَ النَّارِ».

«خدایا! ما موجبات رحمتت را و اراده غفرانت و دوری و سلامت از هر گناهی و بهره بردن از هر نیکی و دستیابی به بهشت و نجات از آتش جهنم را از تو طلب می‌کنیم»[[30]](#footnote-30).

1. «اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ عِنْدَ كِبَرِ سِنِّي وَانْقِطَاعِ عُمْرِي».

«خدایا! فراوان‌ترین روزی‌ات را هنگام پیری و خاتمه‌یافتن عمرم بر من قرار ده»[[31]](#footnote-31).

1. «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي».

«خدایا! گناهم را ببخش، و سرایم را وسعت بخش، و در روزیم برکت قرار ده»[[32]](#footnote-32).

1. «اللَّهُمَّ إنِّي أَسْأَلُك مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ؛ فَإِنَّهُ لاَ يَمْلِكُهَا إِلاَّ أَنْتَ».

«خدایا! از فضل و رحمتت از تو می‌طلبم جز تو کسی بر آن مالک نیست».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَرَمِ، وَالتَّرَدِّي، وَالْهَدْمِ، وَالْغَمِّ، وَالْغَرَقِ، وَالْحَرَقِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَتَخَبَّطَنِيَ الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ،وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ فِي سَبِيلِكَ مُدْبِراً،وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ لَدِيغًا».

«خدایا! از لغزیدن و هلاک شدن و غرق شدن و سوزاندن به تو پناه می‌آورم، و از اینکه شیطان هنگام مرگ سرگردانم کند به تو پناه می‌آورم و از اینکه در راه تو با حالت پشت‌کننده و برگرداننده بمیرم به تو پناه می‌آورم و از اینکه هنگام مرگ با حالت رنجانده و گزیده بمیرم به تو پناه می‌جویم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ؛ فَإِنَّهُ بِئْسَ الضَّجِيعُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ؛ فَإِنَّهَا بِئْسَتِ الْبِطَانَةُ».

«خدایا! از گرسنگی به تو پناه می‌آورم، بی‌شک او همبستر ناشایست و بدی است و از خیانت به تو پناه می‌آورم همانا آن جامۀ بدی است».

1. «اللَّهُمَّ إنِّي أعُوذُ بِكَ مِنَ العَجْزِ، والكَسَلِ، والجُبْنِ، والبُخْلِ، والهَرَمِ، والقَسْوَة، والغَفْلَة، والعَيْلَة، والذِّلَّة، والمَسْكَنَة، وأعُوذُ بِكَ مِنَ الفَقْرِ، والكُفْرِ، والفُسُوقِ، والشِّقاقِ، والنِّفاقِ، والسُّمْعَة، والرِّياءِ، وأعُوذُ بِكَ مِنَ الصَّمَمِ، والبَكَمِ، والجُنُونِ، والجُذامِ، والبَرَصِ، وَسَيِّئِ الأَسْقَامِ».

«خدایا! از درماندگی، کاهلی، ترسویی، خست، کهولت، قساوت و سنگدلی، غفلت، تنگدستی، خواری، بی‌نوایی، به تو پناه می‌جویم و از فقر، کفر، هرزگی، تفرقه، نفاق، بی‌آبرویی و ریا به تو پناه می‌آورم، و از کوری، لالی، دیوانگی، جذام، پیسی و بیمارهای بدخیم به تو پناه می‌آورم»[[33]](#footnote-33).

1. «اللّهُمَّ إنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، [وَالْفَاقَةِ] وَالْقِلَّةِ، وَالذِّلَّةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أو أُظْلَمَ».

«خدایا! از فقر، تنگدستی، و خواری به تو پناه می‌آورم و از اینکه ستم کنم و یا مورد ستم قرار گیرم به تو پناه می‌آورم»[[34]](#footnote-34).

1. «اللَّهُمَّ إنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَارِ السُّوءِ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ؛ فَإِنَّ جَارَ الْبَادِيَةِ يَتَحَوَّلُ». «خدایا! از همسایة بد در سرای جاویدان به تو پناه می‌برم، بی‌گمان همسایة صحرا (دنیا) به پایان می‌رسد»[[35]](#footnote-35).
2. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لاَ يَخْشَعُ، ومِنْ َدُعَاءٍ لاَ يُسْمَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لاَ تَشْبَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لاَ يَنْفَعُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَـؤُلاَءِ الأَرْبَعِ».

«خدایا! از قلب بی‌خشوع و از علم بی‌ثمر و از دعاهای بی‌جواب و از نفس سیرنشدنی به تو پناه می‌جویم، از این چهار شیء به تو پناه می‌جویم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمِ السُّوءِ، وَمِنْ لَيْلَةِ السُّوءِ، وَمِنْ سَاعَةِ السُّوءِ، وَمِنْ صَاحِبِ السُّوءِ، وَمِنْ جَارِ السُّوءِ في دَارِ الْمُقامَةِ».

«خدایا! من به تو از روز بد، شب بد، ساعت (وقت) بد، رفیق سوء، همسایۀ ناشایست در سرای باقی و جاویدان به تو پناه می‌برم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّة وَأَسْتَجِيْرُ بِكَ مِنَ النَّارِ». (ثَلاَثَ مَرَّاتٍ)

«خدایا! جنت را از تو می‌طلبم و از آتش جهنم به تو پناه می‌آورم». (3 بار)

1. «اللَّهُمَّ فَقِّهْنِي فِي الدِّينِ».

«خدایا! در دین آگاهم کن»[[36]](#footnote-36).

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُشْرِكَ بِكَ وَأَنـَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لاَ أَعْلَمُ».

«خدایا! از اینکه آگاهانه به تو شرک بورزم به تو پناه می‌آورم و از آنچه هم که ناآگاهانه باشد به تو پناه می‌آورم»[[37]](#footnote-37).

1. «اللَّهُمَّ انْفَعْنِـي بِمَا عَلَّمْـتَنِـي، وَعَلِّمْنِـي مَا يَنْفَعُنِي، وَزِدْنِي عِلْمًا».

«خدایا! به آنچه که به من یاد داده‌ای نفع برسانم، و آنچه به من سودی رساند مرا بیاموز، و علم مرا بیفزای».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا طَيِّبًا، وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا».

«خدایا! من از تو علم سودمند، روزی حلال و عمل پذیرفته شده مسألت می‌نمایم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا أَللَّهُ بِأَنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».

«خدایا! ای یگانۀ یکتا! بی‌نیازی که نزاده است و زاده نشده است وکسی همتا وهمگون او نمی‌باشد از تو می‌خواهم که گناهانم را ببخشایی، بی‌گمان تو بسی بخشنده و مهربان هستی».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ [وَحْدَكَ لاَ شَرِيكَ لَكَ] الْمَنَّانُ [يَا] بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلالِ وَالإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ، إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ».

«خدایا! از تو می‌خواهم که حمد و سپاس خاص توست، هیچ معبود بحقی جز تو نیست [تنهائی و تو را شریکی نیست]، ای صاحب شکوه و کرامت! ای زندۀ باقی پایدار! من از تو بهشت را می‌طلبم و از آتش جهنم به تو پناه می‌برم».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أنَّكَ أَنْتَ اللهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، الأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ، وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

«خدایا! از تو درخواست می‌کنم به اینکه من گواهی می‌دهم که تو خدایی، معبود به حقی جز تو نیست. یگانه و بی‌نیازی که نزاده است و زاده نشده است و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد».

1. «رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْغَفُورُ».

«پروردگارا! مرا ببخش، و توبه‌ام را بپذیر، بی‌گمان تو بسی توبه‌پذیر و بسی‌ بخشنده‌ای»[[38]](#footnote-38).

1. «اللَّهُمَّ بِعِلْمِكَ الْغَيْبَ، وَقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ، أَحْيِـنِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْراً لِي، وَتَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْراً لِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، وَأَسْأَلُكَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ، وَأَسْأَلُكَ الْقَصْدَ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَأَسْأَلُكَ نَعِيمَاً لاَ يَنْفَدُ، وأَسْأَلُكَ قُرَّةَ عَيْنٍ لاَ تَنْقَطِعْ، وَأَسْأَلُكَ الرِّضَا بَعَدَ الْقَضَاءِ، وَأَسْأَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَأَسْأْلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إلَى وَجْهِكَ، وَالشَّوْقَ إِلَى لِقَائِكَ، فِي غَيْرِ ضَرَّاءَ مُضِرَّةٍ، وَلاَ فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ، اللَّهُمَّ زَيِّنَّا بِزِينَةِ الإِيمَانِ، وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ». «خداوندا! با علم غیب خود و قدرتت بر خلق، تا وقتی‌که می‌دانی که حیات برای من خیر است زنده‌ام نگه‌دار و هرگاه دانستی، مرگ برایم خیر است مرا بمیران، خداوندا! ترس و خشیت تو را در نهان و آشکار مسألت می‌کنم و در حال غضب وشادی رعایت گفتن حق را از تو طلب می‌نمایم و میانه‌روی در بی‌نیازی و تهیدستی از تو می‌خواهم و از تو نعمتی می‌خواهم که تمام شدنی نباشد، و از تو لذتی می‌خواهم که بی‌وقفه و پیوسته باشد، و بعد از آمدن گرفتاری رضایت را از تو می‌طلبم، خدایا بعد از مرگ، آرامش زندگی را از تو می‌خواهم، خدایا! لذت نگاه به وجه و سیمایت و شوق لقای تو را بدون اینکه در فلاکت زیربنایی و فتنۀ‌ گمراه‌کنندۀ بیفتم از تو خواهانم، خدایا! مرا به زینت و زیبایی ایمان آراسته گردان، و ما را جزء راهنمایان هدایت یافته قرار ده»[[39]](#footnote-39).
2. «اللَّهُمَّ ارزُقني حُبَّكَ، وحُبَّ مَنْ يَنْفَعُني حُبُّهُ عِنْدَكَ، اللَّهُمَّ مَا رَزَقْتَني مِمَّا أُحِبُّ فَاجْعَلْهُ قُوَّةً لِي فِيمَا تُحِبُّ، اللَّهُمَ مَا زَوَيْتَ عَنِّي مِمَّا أُحِبُّ فَاجْعَلْهُ فَرَاغاً لِي فِيمَا تُحِبُّ».

«خدایا! دوستی و حبّ خود و حب کسی‌که دوستی او نزد تو به من سود رساند نصیبم کن، خداوندا! از دوستی‌هایی‌که به من ارزانی داشته‌ای آن را برای من سبب قوّت بخشیدن به آنچه که تو دوست می‌داری قرار ده، خدایا! آنچه را که من دوست می‌دارم و آن را از من پنهان و مخفی داشته‌ای آن را در تکمیلِ حبّ آنچه که دوست می‌داری برای من قرار ده»[[40]](#footnote-40).

1. «اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْهَا كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي بِالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَالْمَاءِ الْبَارِدِ».

«خدایا! از گناه و خطاها پاکم گردان، خدایا! از آن‌ها پاکم کن همچنان‌که جامه سفید از چرک پاک می‌گردد، خدایا! با برف و تگرگ و آب خنک پاکم گردان»[[41]](#footnote-41).

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَالْجُبْنِ، وَسُوءِ الْعُمُرِ، وَفِتْنَةِ الصَّدْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ».

«خدایا! از بخل ورزیدن و ترسویی و عمر بد، و فتنۀ قلب و عذاب قبر به تو پناه می‌برم»[[42]](#footnote-42).

1. «اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ، وَمِيكَائِيلَ، وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ، أَعُوذُ بِكَ مِنَ حَرِّ النَّارِ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ».

«خدایا! ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و پروردگار اسرافیل! از گرمای سوزان جهنّم و از عذاب قبر به تو پناه می‌آورم»[[43]](#footnote-43).

1. «اللَّهُمَّ أَلْهِمْنِي رُشْدِي، وَأَعِذْنِي مِنْ شَرِّ نَفْسِي».

«خدایا! طریق هدایتم را به من نشان ده، و از شر نفسم پناهم ده».

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لاَ يَنْفَعُ».

«خدایا! علم سودمند را از تو درخواست می‌نمایم و از علم بی‌سود و ثمر به تو پناه می‌برم».

1. «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ [السَّبْعِ] وَرَبَّ الْأَرْضِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتـِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ».

«خدایا! ای پروردگار آسمان‌های [هفتگانه] و پروردگار زمین و عرش والا! پروردگار ما و پروردگار تمام اشیاء، شکافنده و رویاننده دانه و هسته و فرودآورندۀ تورات و انجیل و قرآن؛ از شرّ هر چیزی که در پنجه قدرت توست به تو پناه می‌آورم، خدایا! ای نخستینِ هستی که قبل از تو چیزی نبوده است و ای واپسینِ هستی که بعد از تو چیزی نیست و تو نمایانی هستی که چیزی تو را نمی‌پوشاند و نهانی هستی که نهان‌تر از تو چیزی نیست؛ دَیْن و بِدهی را از ما ادا کن و ما را از فقر بی‌نیاز گردان»[[44]](#footnote-44).

1. «اللَّهُمَّ أَلِّفْ بَيْنَ قُلُوبِنَا، وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا،وَاهْدِنَا سُبُلَ السَّلاَمِ، وَنَجِّنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَجَنِّـبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي أَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُلُوبِنَا، وَأَزْوَاجِنَا، وَذُرِّيَّاتِنَا، وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَاجْعَلْنَا شَاكِرِينَ لِنِعَمِكَ مُثْنِينَ بِهَا عَلَيْكَ، قَابِلِينَ لَهَا، وَأَتِمِمْهَا عَلَيْنَا». «خدایا! میان دل‌هایمان الفت به وجود بیاور و اختلاف و ناسازگاری‌های‌مان را اصلاح کن، و به راه‌های صلح و دوستی هدایت و راهنمای‌مان فرما، و از تاریکی‌ها به طرف نور و روشنایی نجات‌مان ده. خدایا! ناهنجاری‌های آشکار و پوشیده را از ما دور گردان و به شنیداری و بینایی و درونها و همسرانمان و نسل‌های‌مان برکت عنایت فرما و توبه را از ما بپذیر، بی‌شک تو بسی توبه‌پذیر و مهربان هستی، ما را سپاس‌گزار نعمت‌هایت و ثناگویت و پذیرنده نعمت‌هایت قرار ده و آن‌ها را بر ما به اتمام رسان»[[45]](#footnote-45).
2. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَسْأَلَةِ، وَخَيْرَ الدُّعَاءِ، وَخَيْرَ النَّجَاحِ، وَخَيْرَ الْعَمَلِ، وَخَيْرَ الثَّوَابِ،وَخَيْرَ الْحَيَاةِ، وَخَيْرَ الْمَمَاتِ، وَثَـبِّـتْنِي، وَثَقِّل مَوَازِينِي، وَحَقِّقْ إِيمَانِي، وَارْفَعْ دَرَجَاتِـي، وَتَقَبَّلْ صَلاَتِـي، وَاغْفِرْ خَطِيئَتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ العُلاَ مِنَ الْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَوَاتِحَ الْخَيْرِ، وَخَوَاتِمَهُ، وَجَوَامِعَهُ، وَأَوَّلَهُ، وَظَاهِرَهُ، وَبَاطِنَهُ، وَالدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنَ الْجَنَّةِ آمِينْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا آتِي، وَخَيْرَ مَا أَفْعَلُ، وَخَيْرَ مَا أَعْمَلُ، وَخَيْرَ مَا بَطَنَ، وَخَيْرَ مَا ظَهَرَ، وَالدَّرَجَاتِ العُلَا مِنَ الْجَنَّةِ آمِينْ، اللَّهُمَّ إنِّي أَسْأَلُكَ أنْ تَرْفَعَ ذِكْرِي، وَتَضَعَ وِزْرِي، وَتُصْلِحَ أمْرِي، وَتُطَهِّرَ قَلْبِي، وَتُحَصِّنَ فَرْجِي، وَتُنَوِّرَ قَلْبِي، وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي،وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنَ الْجَنَّةِ آمِينْ، اللَّهُمَّ إنِّي أَسْأَلُكَ أنْ تُبَارِكَ فِي نَفْسِي، وَفِي سَمْعِي، وَفِي بَصَرِي، وَفِي رُوحِي، وَفِي خَلْقِي، وَفِي خُلُقِي، وَفِي أَهْلِي، وَفِي مَحْيَايَ، وَفِي مَمَاتِي، وَفِي عَمَلِي، فَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ العُلَا مِنَ الْجَنَّةِ، آمِينْ».

«خدایا بهترین درخواست و بهترین دعا و بهترین موفقیت، بهترین عمل، بهترین ثواب، بهترین حیات و بهترین مرگ را از تو درخواست می‌نمایم، و مرا استوار گردان، ترازوی نیکی‌هایم را سنگین گردان و ایمانم را ثابت گردان و درجاتم را رفیع گردان و دعا و نمازم را بپذیر و خطایم را ببخش و درجات عالیه بهشت را از تو درخواست می‌نمایم. خدایا! آغازهای خیر و خاتمه‌های آن و اول و آشکار و پنهان آن را و درجات عالیه بهشت را از تو درخواست می‌نمایم [بپذیر و اجابت نمای خداوندا خدایا! بهترینِ آنچه که می‌آورم و بهترین آنچه که انجام می‌دهم و به آن می‌پردازم و بهترینِ آنچه که پنهان و نمایان است و درجات بلند بهشت را از تو درخواست می‌نمایم (آمین) اجابت کن ای خداوند. خدایا! از تو می‌خواهم که نامم را رفیع گردانی و بار سنگین گناهم را فرو نهی، و حالم را نیک گردانی و درونم را پاک نمائی و دامنم را از آلودگی حفظ کنی و قلبم را منور گردانی و گناهم را ببخشایی، و درجات بلند بهشت را از تو درخواست می‌نمایم و خدایا! از تو می‌خواهم که به درون و شنوایی و بینایی و روح و خلق و اخلاق و اهل و حیات و مرگ و کردارم برکت بیفزایی و حسناتم را پذیرا باشی و درجات رفیع بهشت را از تو مسألت می‌نمایم»[[46]](#footnote-46).

1. «اللَّهُمَّ جَنِّـبْنِـي مُنْكَرَاتِ اَلْأَخْلَاقِ، وَالْأَهْوَاءِ، وَالْأَعْمَالِ، وَالْأَدْوَاءِ».

«خدایا! اخلاق‌های ناروا و هواهای نفسانی و کردارهای نفسانی و ناخوشی‌ها را از من دور بدار»[[47]](#footnote-47).

1. «اللَّهُمَ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لي فِيهِ، وَاخْلُفْ عَلَيَّ كُلَّ غَائِبَةٍ لِي بِخَيْرٍ».

«خدایا! به آنچه که به من عطاء و ارزانی داشته‌ای قانعم کن و در آن برکت بیفزای و هر چه را از دست داده‌ام جایگزین آن، خیر نصیبم فرما»[[48]](#footnote-48).

1. «اللَّهُمَّ حَاسِبْنِي حِسَابَاً يَسِيرَاً».

«خدایا! مرا آسان مورد محاسبه قرار ده».

1. «اللَّهُمَّ أعِنَّا عَلَى ذِكْرِكَ، وَشُكْرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ».

«خدایا! ما را بر ذکر و شکر و حُسن عبادت یاری نما».

1. «اللَّهُمّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لاَ يَرْتَدُّ، وَنَعِيمًا لاَ يَنْفَدُ، وَمُرَافَقَةَ مُحَمَّدٍص فِي أَعْلَى جَنَّةِ الْخُلْدِ».

«خدایا! ایمانی غیر قابل برگشت و نعمتی تمام نشدنی و هم‌نشینی با محمدص را در رفیع‌ترین باغ‌های بهشت جاویدان را از تو مسألت می‌نمایم».

1. «اللَّهُمَّ قِنِي شَرَّ نَفْسِي، وَاعْزِمْ لِي عَلَى أَرْشَدِ أَمْرِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا أَسْرَرْتُ، وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَخْطَأْتُ، وَمَا عَمَدْتُ، وَمَا عَلِمْتُ، وَمَا جَهِلْتُ».

«خدایا از شرارت نفس حفظم نما. و خدایا! گناهی را که آشکارا و یا سرّی و یا عمدی و یا اشتباهی و یا آگاهانه و یا ناآگاهانه انجام داده‌ام مورد عفو و بخشش قرار ده».

1. «اللَّهُمَّ إنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ، وَغَلَبَةِ الْعَدُوِّ، وَشَمَاتَةِ الأعْدَاءِ».

«خدایا! از غلبه قرض و دشمن و نیرنگ دشمن به تو پناه می‌برم».

1. «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَاهْدِنِي، وَارْزُقْنِي، وَعَافِنِي، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ضِيقِ الْمَقَامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«خدایا! مرا ببخش و هدایتم نما و از من درگذر، خدایا! از تنگی جایگاه در روز قیامت به تو پناه می‌برم»[[49]](#footnote-49).

1. «اللَّهُمَّ مَتِّعْنِي بِسَمْعِي، وَبَصَرِي، وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي، وَانْصُرْنِي عَلَى مَنْ يَظْلِمُنِي، وَخُذْ مِنْهُ بِثَأْرِي».

«خدایا از شنوایی و بینائی بهره‌مندم کن. و بر کسی‌که به من ستم می‌نماید پیروزم گردان و انتقامم را از او بگیر»[[50]](#footnote-50).

1. «اللَّهُمَّ إنِّي أسْألُكَ عِيشَةً نَقِيَّةً».

«خدایا! زندگی پاکی را از تو درخواست می‌نمایم».

1. «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، اللَّهُمَّ لاَ قَابِضَ لِمَا بَسَطْتَ، وَلاَ بَاسِطَ لِمَا قَبَضْتَ، وَلاَ هَادِيَ لِمَنْ أَضْلَلْتَ، وَلاَ مُضِلَّ لِمَنْ هَدَيْتَ، وَلاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ، وَلاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلاَ مُقَرِّبَ لِمَا بَاعَدْتَ، وَلاَ مُبَاعِدَ لِمَا قَرَّبْتَ، اللَّهُمَّ ابْسُطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ، وَرَحْمَتِكَ، وَفَضْلِكَ، وَرِزْقِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّعِيمَ الْمُقِيمَ الَّذِي لاَ يَحُولُ وَلاَ يَزُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّعِيمَ يَوْمَ الْعَيْلَةِ، وَالأَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِذٌ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْطَيْتَنَا، وَشَرِّ مَا مَنَعْتَنَا، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الإِيمَانَ، وَزِيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا، وَكَرِّهْ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِينَ، اللَّهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ، وَأَحْيِنَا مُسْلِمِينَ، وَأَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِينَ غَيْرَ خَزَايَا وَلاَ مَفْتُونِينَ، اللَّهُمَّ قَاتِلِ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ، وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَاجْعَلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَعَذَابَكَ، اللَّهُمَّ قَاتِلْ الكَفَرَةَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ، إِلَهَ الْحَقِّ [آمِينْ]».

«خدایا! همه ستایش خاص توست، خدایا! آنچه را که تو گسترده‌ای، جمع‌کنندۀ برای آن نیست و آنچه را که تو درهم کشیده‌ای، گسترندۀ برای آن نیست، آنکه را که تو گمراه کرده باشی برای وی هدایت‌گری نیست و آنکه را تو هدایت کرده باشید برای وی گمراه‌کنندۀ نیست و آنچه را که تو منع کرده باشی عطاکنندۀ برای آن نیست و آنچه را که تو عطا نموده باشی، منع کنندۀ برای آن نیست و برای آنچه را که تو عطا نموده باشی، منع‌کنندۀ برای آن نیست و برای آنچه که تو دور نموده‌ای نزدیک‌کنندۀ نیست و برای آنچه که تو نزدیک نموده‌ای دور کنندۀ نیست و از برکات و رحمت و فضل و روزی‌ات بر ما گسترده گردان، خدایا! من نعمت پابرجا که دگرگون و زایل نگردد از تو درخواست می‌نمایم، خدایا! در روز تنگدستی، نعمت و در روز خوف و هراس، امنیت را از تو درخواست می‌کنم، خداوندا! از آنچه که به ما عطا نموده‌ای و از شرّ آنچه که ما را از آن منع نموده‌ای به تو پناه می‌برم و خدایا! ایمان را نزد ما محبوب و آن را در دل‌هایمان مزیّن و آراسته گردان و کفر و بدی و سرکشی را نزد ما کریه و زشت گردان و ما را از راه‌یافتگان قرار ده و ما را با مسلمانی زنده گردان و بدون خواری و گرفتاری مرا به نیکوکاران ملحق نما، خدایا! کافرانی را که پیامبران تو را تکذیب می‌نمایند و از راه تو جلوگیری ممانعت می‌نمایند از بین ببر و خشم و عذاب خود را بر آن قرار ده، خدایا! کافرانی‌که کتاب (اهل کتاب) دریافت نموده‌اند نابود و از بین ببر، ای معبود بحق»[[51]](#footnote-51).

1. «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي، وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي».

«خدایا! مرا مورد بخشش قرار بده، و به من رحم کن، و هدایتم ده و تندرستم گردان و روزی‌ام ده»[[52]](#footnote-52).

1. «اللَّهُمَّ زِدْنَا وَلَا تَنْقُصْنَا، وَأَكْرِمْنَا وَلَا تُهِنَّا، وَأَعْطِنَا وَلَا تَحْرِمْنَا، وَآثِرْنَا وَلَا تُؤْثِرْ عَلَيْنَا، وَأرْضِنَا وَارْضَ عَنَّا».

«خدایا! بر ما بیفزا و از ما کاهش نده، و مرا اکرام ده و مرا مورد اهانت قرار نده به ما عطا نما و ما را محروم ننما و ما را ترجیح و برتری ده و بر ما ترجیح نده، و ما را راضی کن و از ما رضایت حاصل نما»[[53]](#footnote-53).

1. «اللَّهُمَّ ثَبّـِتْنِـي، وَاجْعَلْنِي هَادِياً مَهْدِيَّاً».

«خدایا! استوارم گردان و مرا هدایت‌دهنده و هدایت‌یافته گردان»[[54]](#footnote-54).

1. «اللهم آتِنِي الحِكمَةَ التِي مَن أُوتِيَهَا فَقَد أُوتِيَ خَيراً كَثِيراً».

«خدایا! حکمتی را که به هر کس داده شود، خیر فراوانی به او داده شده است، به من عطا نما».

اللهم صلّ وسلّم على نبینا محمّد وعلى آله وأصحابه أجمعین   
ومن تبعهم بإحسان إلى یوم الدین

اهمیت معالجه با کتاب و سنت

مقدمه

تمام ستایش‌ها مختص ذات خداوند است، او را ثنا می‌گوییم، و از او یاری می‌جوییم و از او طلب مغفرت و بخشش می‌نماییم، و از شرارت‌ها و بدی‌های درون و زشتی‌های کردارمان به خداوند پناه می‌بریم هر که را خدایش هدایت نماید او را گمراه‌کنندۀ نیست و هر که را خدا گمراهش نماید او را هدایت‌گری نیست، و گواهی می‌دهم که معبود بحقی جز خداوند نیست، یگانه است و او را شریکی نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستادۀ اوست، درود و تحیّت خداوند بر او و آل و یاران او و پیروان راستین او تا روز قیامت.

بی‌گمان معالجه با قرآن و دعا و تعویذهای که از پیامبرص ثبت و ضبط گردیده است، معالجه سودمند و بهبودی تمام و کاملی است.

﴿هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدٗى وَشِفَآءٞۚ﴾ [فصلت: ٤٤].

بگو: «این (قرآن) برای کسانی‌که ایمان آوردند، هدایت و شفاست».

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ [الإسراء: ٨٢].

«و از قرآن آنچه را که شفا و رحمت برای مؤمنان است؛ نازل می‌کنیم».

و حرفِ (مِنْ) در اینجا برای تبیین جنس است یعنی اینکه تمام قرآن همچنان‌که در آیه ذکر گردید دارای بهبودی و راهنمایی است، و در آیۀ دیگری می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَتۡكُم مَّوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَشِفَآءٞ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٥٧﴾ [يونس: ٥٧].

«ای مردم! به راستی که برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد، و شفایی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان است».

پس قرآن مایه بهبودی تمام بیماری‌های روحی و جسمی و دنیوی و اخروی است، هر فردی با داشتن اهلیت و صلاحیت لازم در بهبودیابی و شفاجستن به قرآن به موفقیت نایل می‌گردد، و هرگاه بیمار با روش نیک و از روی صدق و باور و اعتقاد جازم و با رعایت شروط آن به قرآن بیماری خویش را مداوا و معالجه نماید، هرگز بیماری با وی روبرویی نخواهد کرد چگونه بیماری می‌تواند با سخن خدا دراُفتد که اگر آن را بر کوه‌ها فرو می‌فرستاد آن‌ها را تکه تکه و متلاشی می‌نمود، هر کسی خداوند، فهم قرآن را به وی ارزانی داشته باشد تمام بیماری‌های درونی و بیرونی و علت و درمان آن‌ها و پیشگیری از آن را در قرآن می‌یابد، خداوند در قرآن بیماری‌ها و راه درمان دل‌ها و جسم‌ها را ذکر نموده است.

بیماری قلب دو دسته می‌باشند؛ دستۀ بیماری تردید و سوءظن است، و دستۀ دیگر بیماری شهوت و لغزش است.

و قرآن در جاهای متعددی به بیان بیماری درونی و سبب و راه چاره آن‌ها می‌پردازد:[[55]](#footnote-55)

﴿أَوَ لَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٥١﴾ [العنكبوت: ٥١].

«آیا برای آن‌ها کافی نیست که همانا ما (این) کتاب (قرآن) را بر تو نازل کردیم که (پیوسته) بر آن‌ها تلاوت می‌شود؟! بی‌گمان در این (قرآن) رحمت و پندی است برای کسانی‌که ایمان می‌آورند».

امام ابن قیم (الجوزیه) می‌گوید: کسی‌که قرآن او را شفا ننموده باشد خداوند وی را شفا و بهبود نبخشد و هر که قرآن او را کفایت و بسنده نکند خداوند نیز وی را کفایت و بسنده نکند[[56]](#footnote-56).

و اما بیماری‌های جسمی: خداوند به ریشه‌های درمان آن‌ها و منشأ ایجاد و قواعد آن در قرآن کریم اشاره نموده است، به طوری‌که قرآن اساس و شالودۀ آن را به سه دسته تقسیم کرده است:

1. حفظ تندرستی و سلامت
2. پیشگیری و مبارزه با عوامل بیماری‌زا
3. استفراغ و تهی نمودن مواد فاسد بیماری‌زا، و چنانچه فرد با روش درست و مناسب با قرآن تداوی نماید بلافاصله اثر بهبودی آن را می‌بیند.

امام ابن قیّم در کتاب «زادالمعاد» می‌گوید: مدتی در مکّه مریض بودم و طبیب و دارویی جهت مداوا نیافتم، خودم را با سوره حمد معالجه می‌کردم و تأثیر شگفت آن را روی خود می‌دیدم، مقداری از آب زمزم بر می‌داشتم و چند بار سوره حمد را بر آن می‌خواندم سپس آن را می‌نوشیدم و با آن بهبودی کامل می‌یافتم و بعد از آن در برابر بسیاری دردها از آن استفاده می‌بردم و برای کسانی‌که از درد رنج می‌بردند توصیه می‌نمودم و بسیاری از آنان به سرعت رو به بهبودی می‌رفتند[[57]](#footnote-57).

و همچنین معالجه با تفویض و دعاهای نبوی مفیدترین داروها می‌باشند و دعا به شرطی‌که از موانع بدور باشد سودمندترین ابزار در رفع گرفتاری و حصول خواسته انسان است و مفیدترین دارو می‌باشد مخصوصاً اگر همراه با التماس و استدعا باشد و دعا دشمنِ مصیبت و بلاست و آن را دفع نموده و از فرود آمدن آن ممانعت به عمل می‌آورد و یا اگر هم فرود آید آن را تخفیف و آسان گرداند[[58]](#footnote-58). و از ترمذی و حاکم روایت شده است که پیامبرص فرموده است: «الدُعَاءُ يَنفَعُ مِمَا نَزَلَ وَمِمَا لَم يَنزِل فَعَلَيكُم عِبَادَ اللهِ بِالدُعَاءِ».

«دعا از چیزی‌که فرود آمده است و از آنچه نازل نگشته است سود و فایده‌ می‌رساند پس دعا کردن -ای بندگان خدا- بر شما لازم و ضروری است»[[59]](#footnote-59).

و باز می‌فرماید: «لَا يَرُد القَضَاءَ إِلا الدُعَاءُ وَلَا يَزِيدُ فِي العُمُرِ إِلا البِرُّ».

«قضا را جز دعا باز نگرداند و جز نیکی کردن به طولِ عمر نیفزاید»[[60]](#footnote-60).

ولیکن در اینجا لازم است به این نکته توجه گردد که آیات و اذکار و دعاهایی با آن‌ها درخواست بهبودی می‌گردد و آن‌ها در نفس خود دارای سود و بهبودی می‌باشند دارای قبولی و توانایی و اثر معالج می‌باشند و اگر تداوی و معالجه با موارد مذکور بهبودی را به دنبال نداشت یا بر اثر ضعف تأثیر انجام دهنده آن بوده است و یا به علت عدم قبول فرد مداوا شده و یا به خاطر وجود مانع بزرگی است که از تأثیر در ماده ممانعت می‌نماید، و معالجه با دعا و تعویذ به دو امر تحقق می‌پذیرد:

یکی از سوی مریض و امر دیگر از سوی فرد معالج می‌باشد، و آنچه که بسیار رعایت نماید این است که با تقویت خود و توجه صادقانه به خداوند روی نماید و اعتقاد جازم داشته باشد به اینکه قرآن شفا و رحمت است برای ایمان‌داران و با قلب و زبان از خداوند پناه جوید، زیرا این عمل یک نوع ستیز و جنگ می‌باشد و فرد ستیزه‌جو نیز امکان پیروزی بر دشمن برای وی ممکن نمی‌گردد. جز به دو امر نباشد یکی اینکه سلاح در ذات خود سالم و کارایی لازم را داشته باشد و دوم اینکه فرد جنگجو دارای نیرو و وقت لازم جنگ را دارا باشد، و چنانچه یکی از دو امر برای جنگجو فراهم نباشد اسلحه برای وی سود و ارزشی ندارد پس اگر جنگجو فاقد هر دو امر باشد در این صورت چه چیزی برای وی حاصل می‌گردد و همچنین اگر قلب مریض از توحید و تقوا و توجه خدا خالی باشد و سلامتی هم نداشته باشد چگونه انتظار بهبودی را داشته باشد.

و امر دوم که از سوی معالج با کتاب و سنت می‌باشد می‌بایست او نیز دارای دو امر مذکور در وظایف مریض باشد[[61]](#footnote-61)، و به همین سبب ابن التیمیه/ گفته است: تعویذ با دعاها و اسماء خداوند داروی روحی است؛ هرگاه بر زبان نیکوکار جاری گردد و با اذن خداوند بهبودی حاصل می‌گردد.

و علما با وجود سه شرط بر جواز تعویذ[[62]](#footnote-62) (رقیه و افسون) اجماع کرده‌‌اند:

1. اینکه با کلام خداوند یا اسماء و صفات او و یا سخن پیامبرص باشد.
2. با زبان عربی و یا زبان قابل فهم دیگری باشد.
3. باور به اینکه دعا ذاتاً تأثیری ندارد بلکه با قدرت خداوند تأثیر می‌کند و آن هم سببی از اسباب بهبودی است[[63]](#footnote-63).

و به خاطر اهمیت جدّی دعا بخش تعویذ را از کتاب «ذکر و دعا و معالجه با رقیه (افسون و تعویذ) از کتاب و سنّت» خودم خلاصه نمودم و نکته‌های مفیدی نیز به آن افزودم و از خداوند – عزّ و جلّ - می‌خواهم که آن را محض رضای خویش قرار دهد، و به وسیله این اثر به من و کسانی‌که آن را خوانده‌اند و یا به چاپ رسانده و یا عامل پخش آن بوده‌اند و همۀ مسلمانان بهره و نفع رساند.

وصلى الله وسلم وبارك على نبینا محمد وعلى آله وأصحابه

ومن تبعهم بإحسانٍ إلى یوم الدین

سعید بن علی بن وهف القحطانی

نگاشته شد در تاریخ 18/6/1414 هـ

1- علاج سحر (جادو)

علاج الهی برای سحر دو نوع می‌باشد:

بخش اول آنست که قبل از وقوع سحر از آن پیشگیری به عمل آورده می‌شود:

1. انجام دادن همه واجبات، و ترک تمام محرّمات، و توبه از تمام گناهان.
2. افزایش خواندن قرآن کریم به طوری که هر روز وردی[[64]](#footnote-64) (جزیی) از آن را برای آن قرار داده شود.
3. پناه‌جویی از خداوند با دعاها و اذکار. برای شروع در این مورد می‌توان به دعاهای زیر اشاره نمود:

«بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ، فِي الْأَرْضِ، وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيم» سه بار در صبح و شبانگاه[[65]](#footnote-65)، و خواندن آیة الکرسی بعد از هر نماز و هنگام خواب و در صبح و شب[[66]](#footnote-66) و خواندن سوره اخلاص و ناس و فلق سه بار در هنگام خواب و صبح و اول شب و گفتن «لاَ إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ المُلْكُ، وَلَهُ الحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». هر روز صد مرتبه و رعایت و پرداختن به اذکار زیر: اذکار صبحگاه و شامگاه، اذکار بعد از نمازها، اذکار خواب و بیدار شدن از آن، اذکار ورود به منزل و خروج از آن، اذکار نشستن بر مرکب، اذکار ورود به مسجد و خروج از آن، و دعای ورود به مستراح و خروج از آن، و غیره و بسیاری از آن‌ها را در (حصن المسلم)[[67]](#footnote-67) بر طبق احوال و مناسبات و اماکن و اوقات مناسب ذکر کرده‌ام، بی‌گمان محافظت و رعایت این اذکار فرد را از ابتلا به سحر و چشم و جن‌زدگی به اذن و رخصت الهی منع می‌نماید و موارد بعد از دچار شدن به این آفت‌ها نیز بهترین اثر را در علاج آن‌ها ایفا می‌نمایند[[68]](#footnote-68).

1. خوردن هفت خرما با شکم خالی قبل از صبحانه هرگاه ممکن باشد؛ زیرا از پیامبرص روایت شده است که فرموده است: «مَنِ اصْطَبَحَ بِسَبْعِ تَمَرَاتِ عَجْوَةٍ، لَمْ يَضُرَّهُ ذَلِكَ اليَوْمَ سَمٌّ، وَلاَ سِحْرٌ».

«هر کسی با خوردن هفت خرمای خشک صبحانه نماید در آن روز سموم و سحری به او ضرر نمی‌رسانند».

و بهتر اینکه از خرمای مدینه باشد و علامه بن عبدالله بن باز/ بر این باور است که تمام خرماهای مدینه دارای این اوصاف می‌باشد.

همچنان‌که شیخ/ بر این باور است که در غیر خرمای مدینه هم برای کسی‌که بخواهد این سنت را عملی نماید نیز شامل این حکم می‌گردد.

بخش دوم: علاج سحر بعد از وقوع آن که دارای انواع مختلفی است.

نوع اول: بیرون نمودن و ابطال سحر اگر محل آن دانسته شود با راه‌های مباح شرعی و غالباً فرد مسحور با این روش معالجه می‌گردد.

نوع دوم: تعویذ شرعی از جمله:

1. هفت برگ سبز سِدر (درخت کُنار) را میان هاون و یا با هر وسیله دیگر کوبیده گردد و سپس به اندازه آب غسل یک فرد آب بر آن بریزید و آیات زیر بر آن خوانده شود:

(أعوذ بالله من الشیطان الرجیم)

﴿ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلۡحَيُّ ٱلۡقَيُّومُۚ لَا تَأۡخُذُهُۥ سِنَةٞ وَلَا نَوۡمٞۚ لَّهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِۗ مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦۚ يَعۡلَمُ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُمۡۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيۡءٖ مِّنۡ عِلۡمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَۚ وَسِعَ كُرۡسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَۖ وَلَا يَ‍ُٔودُهُۥ حِفۡظُهُمَاۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡعَظِيمُ ٢٥٥﴾ [البقرة: ٢٥٥].

«الله (معبود بر حق است) هیچ معبودی بحق جز او نیست، زنده (و جهان هستی را) نگه دار و مدبر است، نه چرت او را فرا گیرد و نه خواب، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست کیست که در نزد اوجز به فرمان او شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد احاطه نمی‌یابد، کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته، و نگاهداری آن دو (زمین و آسمان) بر او گران و دشوار نیاید، و او بلند مرتبه و بزرگ است».

﴿۞وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۖ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ ١١٧ فَوَقَعَ ٱلۡحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١١٨ فَغُلِبُواْ هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُواْ صَٰغِرِينَ ١١٩ وَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سَٰجِدِينَ ١٢٠ قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٢١ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ١٢٢﴾ [الأعراف: ١١7- ١٢2].

«و (ما) به موسی وحی کردیم که: «عصای خود را بیفکن» پس ناگهان آن (عصا، به صورت اژدهای درآمد) آنچه را که به دروغ بر ساخته بودند، می‌بلعید. \* آنگاه حق آشکار (و پیروز) شد و آنچه آن‌ها (ساخته بودند و) انجام می‌دادند باطل گشت. \* پس در آنجا (فرعون و فرعونیان همگی) مغلوب شدند و خوار و زبون بازگشتند. \* و ساحران به سجده افتادند.\* گفتند: «به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، \* پروردگار موسی و هارون».

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ٱئۡتُونِي بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ ٧٩ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ ٨٠ فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئۡتُم بِهِ ٱلسِّحۡرُۖ إِنَّ ٱللَّهَ سَيُبۡطِلُهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصۡلِحُ عَمَلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ ٨١ وَيُحِقُّ ٱللَّهُ ٱلۡحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٨٢﴾ [يونس: ٧٩- ٨٢].

«و فرعون گفت: «تمام جادوگران (ماهر و) دانا را نزد من بیاورید». \* پس چون جادوگران آمدند، موسی به آن‌ها گفت: «آنچه شما (از وسایل سحر) می‌توانید بیفکنید، (اکنون بر زمین) بیفکنید». \* پس چون افکندند، موسی گفت: «آنچه شما آورده‌اید، سحر است، بی‌گمان الله آن را باطل خواهد کرد، همانا الله عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند. \* و الله با کلمات خود، حق را (ثابت و) پایدار می‌کند گرچه مجرمان کراهت داشته باشند».

﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَلۡقَىٰ ٦٥ قَالَ بَلۡ أَلۡقُواْۖ فَإِذَا حِبَالُهُمۡ وَعِصِيُّهُمۡ يُخَيَّلُ إِلَيۡهِ مِن سِحۡرِهِمۡ أَنَّهَا تَسۡعَىٰ ٦٦ فَأَوۡجَسَ فِي نَفۡسِهِۦ خِيفَةٗ مُّوسَىٰ ٦٧ قُلۡنَا لَا تَخَفۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡأَعۡلَىٰ ٦٨ وَأَلۡقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلۡقَفۡ مَا صَنَعُوٓاْۖ إِنَّمَا صَنَعُواْ كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ ٦٩ فَأُلۡقِيَ ٱلسَّحَرَةُ سُجَّدٗا قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِرَبِّ هَٰرُونَ وَمُوسَىٰ ٧٠﴾ [طه: ٦٥- ٧٠].

«(ساحران) گفتند: «ای موسی! یا این است که (اول) تو (عصا را) بیفکنی یا آنکه ما کسانی باشیم که اول بیفکنیم؟!» \* (موسی) گفت: «بلکه (شما) بیفکنید» پس ناگهان ریسمان‌هایشان و عصاهایشان از (اثر) سحرشان چنان به نظرش رسید که حرکت می‌کند (و می‌دوند) \* موسی در دل خود ترسی احساس کرد که (مبادا در ایمان مردم خللی ایجاد شود). \* گفتیم: «نترس! مسلماً تو (غالب و) برتری، \* و آنچه را که در دست راست خود داری بیفکن، تا (تمام) آنچه را که ساخته‌اند، ببلعد، بی‌شک آنچه ساخته‌اند، تنها مکر ساحر است، و ساحر هر جا رود رستگار (و موفق) نخواهد شد». \* (پس موسی عصای خود را افکند، ناگهان به مار بزرگی تبدیل شد و همه‌ا‌ی آن‌ها را که ساخته بودند بلعید) آنگاه ساحران (همگی) به سجده افتادند، گفتند: «(ما) به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم»

﴿قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ ١ لَآ أَعۡبُدُ مَا تَعۡبُدُونَ ٢ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٣ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٞ مَّا عَبَدتُّمۡ ٤ وَلَآ أَنتُمۡ عَٰبِدُونَ مَآ أَعۡبُدُ ٥ لَكُمۡ دِينُكُمۡ وَلِيَ دِينِ ٦﴾ [الكافرون: ١- 6].

«(ای پیامبر) بگو: «ای کافران. \* من نمی‌پرستم آنچه را که شما می‌پرستید. \* و شما (نیز) نمی‌پرستید آنچه را که من می‌پرستم. \* و نه من پرستش‌گر آنچه شما پرستش کرده‌اید خواهم بود. \* و نه شما پرستش‌گر آنچه من می‌پرستم خواهید بود. \* (بنا بر این) آیین شما برای خود‌تان، و آیین من برای خودم».

﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ١ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ٢ لَمۡ يَلِدۡ وَلَمۡ يُولَدۡ ٣ وَلَمۡ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدُۢ ٤﴾ [الاخلاص: ١- 4].

«(ای پیامبر) بگو: «او الله یکتا و یگانه است.[[69]](#footnote-69) \* الله بی‌نیاز است (و همه نیازمند او هستند). \* نه (فرزندی) زاده و نه زاده شده است. \* و هیچ کس همانند و همتای او نبوده و نیست».

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ ١ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ٢ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ٣ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ ٤ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ٥﴾ [الفلق: ١- ٦].

«(ای پیامبر) بگو: «به پروردگار سپیده دم پناه می‌برم، \* از شر تمام آنچه آفریده است، \* و از شر تاریکی شب، آنگاه که همه جا را فرا گیرد. \* و از شر (زنان جادوگر) که با افسون در گره‌ها می‌دمند. \* و از شر حسود آنگاه که حسد ورزد».

﴿قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ١ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ٢ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ٣ مِن شَرِّ ٱلۡوَسۡوَاسِ ٱلۡخَنَّاسِ ٤ ٱلَّذِي يُوَسۡوِسُ فِي صُدُورِ ٱلنَّاسِ ٥ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ٦﴾ [الناس: ١- 6].

«(ای پیامبر) بگو: «به پروردگار مردم پناه می‌برم، \* فرمانروای مردم، \* (إله و) معبود مردم، \* از شر (شیطان) وسوسه‌گر باز پس رونده (به هنگام ذکر الله). \* همان که در دل‌های مردم وسوسه می‌کند. \* از جنیان (باشد) و (یا از) آدمیان».

و بعد از خواندن آیات مذکور بر آن سه بار از آن بنوشد و با باقیمانده آن غسل نماید و با این عمل اگر خداوند بخواهد، درد و رنج از بین می‌رود و اگر نیاز بود دوبار یا بیشتر می‌تواند انجام دهد تا بیمار کاملا بهبود یابد و این بارها تجربه شده است و مفید هم بوده است.

1. سورۀ فاتحه و آیه الکرسی را ‌خوانده و دو آیۀ آخر سورۀ بقره و سورۀ اخلاص و سه بار یا بیشتر معوّذتین همراه با دمیدن با دست راست محل درد را مسح و مالش دهید[[70]](#footnote-70).
2. تعاویذ[[71]](#footnote-71) و دعاهای مهم و جامع
3. «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ العَرْشِ العَظِيمِ أَنْ يَشْفِيَكَ». (سبع مرات)

«از خداوند بزرگ پروردگار عرش والا می‌خواهم که تو را شفاء دهد». (7 بار)[[72]](#footnote-72)

1. (دست را روی محل درد گذاشته و سه بار می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ» و «أَعُوذُ بِاللهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ». (7 بار)[[73]](#footnote-73).

«از شر آنچه که می‌یابم و از آن حذر می‌نمایم به خداوند و قدرت او پناه می‌برم».

1. «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهِبِ الْبَأْسَ، وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لاَ شِفَاءَ إِلاَّ شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لاَ يُغَادِرُ سَقَمًا».

«خدایا! پروردگار مردم! ناراحتی را ببر و شفا ده، تو شفادهنده‌ای و شفایی جز شفای تو نیست، شفایی که به بیماری نمی‌گراید»[[74]](#footnote-74).

1. «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لاَمَّةٍ».

«از هر شیطان گزنده‌ای و از هر چشم بدی به کلمات تامه خداوند پناه می‌برم»[[75]](#footnote-75).

1. «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ».

«از شر آنچه خداوند خلق‌کرده ‌است به ‌کلمات تامّات خداوند پناه می‌برم».

1. «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ: مِنْ غَضَبِهِ، وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونِ».

«از غضب و عذاب خداوند و شرّ بندگانی و از وسوسه‌های شیاطین و اینکه نزد من حضور یابند به کلمات تامه خداوند پناه می‌جویم».

1. «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَبَرَأَ، وَذَرَأَ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ فِي الْأَرْضِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ يَا رَحْمَنُ».

«از شرّ آنچه که خدا خلق کرده است و از شرّ آنچه که از آسمان فرود می‌آید و از شرّ آنچه از آن بیرون می‌رود و از شرّ فتنه‌های شب و روز و از شر هر کوبنده و شبروی، مگر کوبنده باب خیر و نیکی، به کلمات تامۀ هیچ نیکوکار و فاجری از آن تجاوز نمی‌نماید، پناه می‌برم»[[76]](#footnote-76).

1. «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبَّ الأَرْضِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ ...».

«خدایا! پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش والا، ای پروردگار ما و پروردگار تمام اشیاء، ای شکافنده و رویاننده دانه و هسته، فرودآورنده تورات و انجیل و قرآن، از شرّ آنچه که زمام آن در دست توست به تو پناه می‌آورم تو آغازینی هستی‌که قبل از تو چیزی نبوده است و واپسینی هستید که بعد از تو چیزی نخواهد بود و تو پنهانی هستی‌که پنهان‌تر از تو چیزی نیست»[[77]](#footnote-77).

1. «بِسْمِ الله أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنِ حَاسِدٍ، اللهُ يَشْفِيكَ، بِسمِ اللهِ أَرقِيكَ».

«به نام خدا تو را از هر چیز که باعث آزارت گردد و از شر هر نفس و یا چشم حسودی تو را آزار نماید تعویذ می‌نمایم و خداوند شفایت دهد به نام خدا تعویذت می‌دهم»[[78]](#footnote-78).

1. «بِسْمِ الله يُبْرِيكَ، وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ».

«به نام خدا بهبودت بخشد و از هر درد الهی شفایت دهد و از شر هر حسودی هرگاه رشک بورزد و از شر هر صاحب چشم بدی شفا و پناهت دهد»[[79]](#footnote-79).

1. «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ حَسَدِ حَاسِدٍ، وَمِنْ كُلِّ ذِي عَيْنٍ اللَّهُ يَشْفِيكَ».

«به نام خداوند از هر چیز که آزارت می‌دهد و از حسد حسود تو را دعا و تعویذ می‌نمایم و از شر هر صاحب چشم حسودی از خداوند می‌خواهم بهبودت بخشد»[[80]](#footnote-80).

این تعاویذ و دعاها، سحر و جن‌زدگی و چشم‌زخم و همه بیماری‌ها با آن معالجه می‌گردد این‌ها به اذن خداوند دعاهای جامع و مفیدی می‌باشند.

نوع سوم: خون‌گیری با حجامت از محل یا عضوی که اثر سحر بر آن ظاهر گشته است، اگر ممکن باشد و چنانچه حجامت ممکن نباشد به کار گرفتن آنچه که ذکر شد جهت استعلاج کافی و بسنده می‌باشد.

نوع چهارم: داروهای طبیعی و مفیدی که قرآن و سنت مطهر به آن‌ها اشاره نموده‌اند هرگاه انسان با یقین و صدق و توجّه به خداوند آن‌ها را به کار ببرد و اعتقاد داشته باشد بر اینکه نفع از طرف خداوند است و اگر خداوند بخواهد به آن نفع رساند همچنان‌که داروهای ترکیبی گیاهی که براساس تجربۀ تجربه‌داران می‌توان از آن استفاده نمود به شرطی‌که حرام نباشند و در این زمینه داروهای طبیعی جهت علاج بیماری‌ها و آفات مذکور وجود دارند که اگر خداوند بخواهد نفع و فایده می‌رساند.

از جمله معالجات طبیعی نافع به اذن خداوند می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: عسل[[81]](#footnote-81)، سیاه‌دانه[[82]](#footnote-82)، آب زمزم[[83]](#footnote-83)، و آب آسمان همچنان‌که قرآن می‌فرماید:

﴿وَنَزَّلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ مُّبَٰرَكٗ ٩﴾ [ق: ٩].

«ما از آسمان آب مبارک فرو فرستاده‌ایم».

و یکی دیگر اسباب معالجه روغن زیتون است به دلیل اینکه از پیامبرص روایت است که:

«كُلُوا الزَّيْتَ، وَادَّهِنُوا بِهِ، فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ».

«زیتون را بخورید و به آن تدهین نمایید زیرا از درخت مبارکۀ می‌باشد».

واقعیت تجربه و استعمال و مطالعه نشان داده است که بهترین روغن است برای استحمام و نظافت و عطرآگین نمودن و از داروهای طبیعی به شمار می‌آیند.

2- علاج چشم‌زخم

معالجه ابتلا به چشم بد به سه طریق انجام می‌گیرد:

* قسم اول: قبل از ابتلا به آن و آن هم دارای چند نوع می‌باشد:

1. حفظ و نگهداشت فردی که بیم آن می‌رود که مورد حسد چشمِ بد قرار گیرد با اذکار و دعاها و تعاویذ مشروعه همچون بخش اول از علاج سحر.
2. فردی‌که از اثر بد چشم خود می‌ترسد و یا بیم می‌رود که چشم وی بر دیگران اثر بد بگذارد هرگاه از خود یا ثروت و فرزند خود و یا برادر خود چیزی را دید که باعث شگفت وی گردد در آن حالت به برکت دعا نماید و بگوید: «ما شاءَ اللهُ لا قوّةَ إلاّ باللهِ، اللهمَ بارك علیه» زیرا از پیامبرص روایت شده است که: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مِنْ أَخِيهِ مَا يُعْجِبُهُ فَلْيَدْعُ لَهُ بِالْبَرَكَةِ».

«هر کسی‌که از شما چیز را از برادر خود ببیند که او را شگفت‌زده نماید برای وی دعای برکت نماید».

1. پوشاندن محاسن کسی‌که بیم اثر بد چشم بر وی رود.

* قسم دوم: بعد از اصابت چشم بد بر فرد که آنهم دارای انواع گوناگون است:

1. هرگاه چشم‌زخم زننده شناخته شد امر به وضو می‌شود سپس فردی‌که چشم بد بر وی اصابت کرده است از آب وضوی وی غسل نماید.
2. به خواندن سورۀ توحید، و معوّذتین و حمد و آیه الکرسی و آیه‌های آخر سورۀ بقره و دعاهای مشروعه در تعویذ با دمیدن و مسح محل درد با دست راست بیفزاید همچنان‌که در بخش دوم از علاج سحر فقره ج شماره 1 الی 11 بیان گردید.
3. سپس بیمار آب دمیده شده را می‌نوشد و باقیمانده را بر روی خود می‌ریزد، یا در روغن می‌خواند و با آن تدهین می‌نماید و چنانچه در آب زمزم یا آب آسمان خوانده شود بهتر است.
4. ایرادی ندارد اگر آیاتی از قرآن نوشته گردد و بعد از آن شسته شود و بیمار از آن بنوشد و از جمله آیاتی‌که در این باره به کار می‌روند سورۀ حمد، آیةالکرسی و دو آیۀ آخر سورۀ بقره و سورۀ توحید و معوذتان و دعاهای تعویذ همچنان‌که در صفحه‌های قبل ذکر گردید.
5. بخش سوم به کار بردن اسبابی‌که باعث دفع چشم حسود می‌گردد که عبارتند از:
   1. استعاذه وپناه خواستن به خداوند از شرّ حسود.
   2. تقوا و ترس از خداوند و رعایت تقوا در امر و نهی خداوند.
   3. صبر بر حسود و گذشت از او و عدم درگیری و شکایت و اذیت او.
   4. توکل نمودن بر خداوند و هر کسی بر خداوند توکل نماید خداوند برای او کافی و بسنده می‌باشد.
   5. از حاسد نترسد و فکر خود را با آن مشغول ننماید و این مفیدترین داروست.
   6. روی آوردن بر خدا و داشتن اخلاص با او و طلب رضایت او.
   7. توبه از گناهان چون گناه دشمنانِ انسان را بر او مسلط می‌گرداند.

﴿وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٖ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ ٣٠﴾ [الشورى: ٣٠].

«آنچه از مصیبت و بلایا به شما می‌رسد به خاطر کارهایی است که خود کرده‌اید، و خداوند از بسیاری(ازآن) گذشت می‌کند».

* 1. به اندازه توان صدقه و احسان نمودن بی‌گمان صدقه و احسان تأثیر شگفتی بر دفع بلا و چشم زخم و شرّ حسود دارند.
  2. با نیکی نمودن به حاسد، آتش درون وی را خاموش کنید هر اندازه حاسد به افزودن شرّ و حسد خود بپردازد او هم احسان و نیکی و شفقت بر او افزایش دهد و این عمل از هر کسی بر نمی‌آید مگر آنکه خداوند بهرۀ از طرف خود به او داده باشد.
  3. مجرد نمودن توحید و اخلاص برای خداوند حکیم که چیزی بدون اذن وی سود و ضرر نمی‌رساند و او جامع و مدار تمام اسباب می‌باشد.

پس توحید دژ بزرگ خداوند است هر کسی به آن وارد گردد از امنیت و امان‌یافتگان است.

پس با این ده اسبابی‌که ذکر کردیم شرّ حاسد و چشم‌زخم زننده و ساحر دفع می‌گردد[[84]](#footnote-84).

3- علاج و آمیختگی جنی با انسان

علاج فرد جن‌زده که جن به او وارد شده است و به آن می‌آمیزد دو نوع است:

نوع اول: قبل از اصابت است:

محافظه و رعایت بر تمام فرایض و واجبات و دوری نمودن از تمام محرّمات، و توبه از تمام گناهان و پناه بردن با اذکار و دعاهای مشروع.

نوع دوم: معالجه بعد از ورود جنی به جسم انسان:

به وسیله مسلمانی‌که قلب و زبانش با هم هماهنگ باشد و برای فرد مصروع تعویذ می‌دهد دعاهای لازم در این زمینه گفته شود و بزرگ‌ترین معالجه با فاتحه‌الکتاب و آیه الکرسی و دو آیه آخر سورۀ بقره و سورۀ توحید و سورۀ فلق و ناس همراه با دمیدن بر فرد مصروع و سه بار تکرار نمودن آن و یا بیشتر و آیات دیگر قرآنی زیرا همه قرآن شفا درونی و شفاء و هدایت است برای ایمان‌داران و سایر دعاهایی‌که در بخش دوم از علاج سحر در فقره «ب» و «ج» گفته شد و در این علاج فرد مصروع رعایت و پای‌بندی به دو امر لازم است اول از طرف فرد مصروع درون خود را تقویت نماید و صادقانه به خداوند توجه و روی آورد و با قلب و زبان به خداوند پناه ببرد و دوم از طرف فرد معالج باید تحقق یابد و او نیز وظایف فرد مصروع را بر عهده دارد و به قول مشهور اسلحه یا زنندۀ آن است و اگر در گوش مصروع اذان گفته شود نیک است زیرا شیطان از آن گریزان می‌گردد[[85]](#footnote-85).

4- معالجۀ بیماری‌های درونی

بزرگ‌ترین معالجه و درمان بیماری درونی و تنگی و دل‌گرفتگی (سینه) به طور خلاصه عبارت است از:

1. هدایت و توحید، همچنان‌که گمراهی و شرک بزرگ‌ترین اسباب دل‌گرفتگی است.
2. نور ایمان واقعی‌که خداوند در قلب بنده با عمل صالح می‌گذارد.
3. علم سودمند، هر اندازه علم بنده وسعت یابد دل و سینه او بازتر و گسترده‌تر خواهد شد.
4. انابه و برگشت به سوی خداوند و یا تمام دل و درون محبت او داشتن و روی آوردن بر او شکر نعمت او با عبادت نمودن وی.
5. دوام ذکر در هر حال و هر مکانی، ذکر تأثیر شگفتی در انشراح و گشادۀ صدر و نعمت دل و از بین بردن غم و غصه دارد.
6. با انواع احسان و نیکی به مردم نیکی کردن و سود رساندن به آنان چون فرد بخشنده و نیکوکار از لحاظ سعه صدر برترین مردم است و دارای پاک‌ترین درون می‌باشد.
7. شجاعت و دلیری، انسان دلیر دارای سعه صدر و وسعت قلب می‌باشد.
8. بیرون کردن ناراستی‌های قلب و صفات مذمومۀ که موجب ضیق و شکنجه قلب می‌گردد: مانند حسد، بغض، کینه، دشمنی و نفرت، سرکشی، و از پیامبرص ثابت گشته است که از او درباره بهترین مردم سؤال شد فرمود: «كُلُّ مَخْمُومِ الْقَلْبِ، صَدُوقِ اللِّسَانِ». گفت هر که دل‌پاک و راست‌گفتار باشد بهترین مردم است، گفتار صدوق اللسان می‌دانیم چیست اما مخموم القلب به چه معناست؟ فرمود: «هُوَ التَّقِيُّ، النَّقِيُّ، لَا إِثْمَ فِيهِ، وَلَا بَغْيَ، وَلَا غِلَّ، وَلَا حَسَدَ» کسی است که متقی و پاک باشد، و گناه و کینه و حسد در وی نباشد[[86]](#footnote-86).
9. ترک نظر و سخن، استماع و آمیختن با مردم، خوردن و خوابیدن زیاد، و اضافه بر نیاز بکار بردن موارد مذکور از جمله اسباب گشایش روح و روان و زدودن غم و اندوه می‌باشد.
10. اشتغال به کار و یا علم مفیدی که قلب را از آنچه که باعث نگرانی و اضطراب آن گشته است مشغول و باز ‌دارد.
11. اهتمام ورزیدن به عملی‌که به آن مشغول هستید و دوری از تفکر در مورد آینده و افسوس نخوردن برگذشته و یاری خواستن از خداوند برای تحقق نیات حسنه و تلاش بر این راه غم و اندوه را می‌زداید وباعث آرامش قلب و روان می‌گردد.
12. در تندرستی و معیشت خویش به پایین‌تر از خود بنگرد نه به بالاتر از خود.
13. فراموش نمودن مشکلات و ناراحتی‌هایی گذشته که امکان برگشت و جبران آن‌ها ممکن نباشد نباید دربارۀ آن‌ها اصلاً فکر نمود.
14. هرگاه مصیبتی از مصائب برای شخص پیش آید می‌بایست در تخفیف اثر آن بر خود تلاش بورزد به این‌گونه که بدترین احتمال ممکن برای آن فرض کند و با توان و قدرت خویش با آن مقابله کند.
15. تقویت قلب و تسلیم نشدن آن در برابر خیالات و توهمات که افکار بد به وجود می‌آورند و به عصبانیت هم منجر نگردد و توقع نداشته باشد که سختی و گرفتاری زایل گردد و بلکه بر خداوند توکل نماید و خود را به خداوند بسپارد و در پی اسباب سودمند برای دفع گرفتاری هم باشد و از خداوند طلب بخشش و تندرستی بنماید.
16. تکیه و اعتماد بر خداوند همانا کسی‌که بر خداوند توکل نماید خیالات و توهمات بی‌اساس در وی تأثیر نمی‌کنند.
17. هرگاه فرد به مصیبت و گرفتاری دچار گردد میان گرفتاری موجود و نعمت‌های موجود که خداوند به وی ارزانی داشته است مقارنه و تطبیق می‌نماید پی می‌برد که نعمت‌های موجود بیش از مصیبت‌های وارد شده است و بجای تفکر در امور منفی و احتمالات ضرر به افکار مثبت و امیدوار کننده روی آورد.
18. بداند که اذیت و آزار مردم به او ضرری نمی‌رساند، خصوصا در گفتارهای ناشایست و بلکه ضرر متوجه گوینده آن می‌گردد لذا فکر و خیال خود را به ضرر احتمالی آن مشغول ‌نکند.
19. فکر خود را در آنچه که سود و نفع دینی و یا دنیوی به بار می‌آورد به کار بگیرد.
20. انسان در برابر نیکی‌ها و خوبی‌هایی که برای دیگران انجام می‌دهد به دنبال تشکر و سپاس‌گزاری دیگران نباشد و بلکه آن را معاملۀ میان خود و خدای خود بپندارد و به تشکر طرف مقابل توجه ننماید همانطور که قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا نُطۡعِمُكُمۡ لِوَجۡهِ ٱللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمۡ جَزَآءٗ وَلَا شُكُورًا ٩﴾ [الإنسان: ٩].

«ما شما را به محض رضایت خداوند خوراک می‌دهیم و از شما پاداش و سپاس‌گزاری نمی‌خواهیم».

و این نوع معامله و عدم انتظار پاداش و سپاس‌گزاری در مورد خانواده و فرزند بیشتر مورد تأکید است.

1. قرار دادن امور سودمند در برابر چشمان خود و مشغول ساختن ذهن در انجام و تحقق بخشیدن به آن‌ها و عدم تفکر و خیال پردازی در کارهای بی فایده.
2. انجام دادن اعمال کنونی، نینداختن کار امروز به فردا تا برای انجام کارهای آینده نیروی فکر و عمل لازم را داشته باشد.
3. در انتخاب علوم و کارهای مفید، اول مهمترین آن‌ها به ترتیب اهمیت آن‌ها را انتخاب کند و خصوصاً آنچه را که رغبت بیشتری به آن داشته باشد و در انجام آن از خداوند استعانت ورزد و اگر مصلحت اقتضا نمود با دیگران به مشورت بپردازد و با توکّل بر خداوند تصمیم نهایی را اتخاذ نماید.
4. با زبان و قلب به بازگو کردن نعمت‌های مادی و معنوی و سپاس‌گزاری از آن نعمت‌ها بپردازد زیرا شناخت نعمت‌ها و تحدّث به آن‌ها غم و اندوه را می‌زداید و بنده را بر شکر و سپاس ترغیب می‌نماید.
5. در برخورد با همسر و خویشان و کسانی‌که به نحوی در زندگی با وی ارتباط دارند هرگاه از آن‌ها عیب و ایرادی دید آن را با سایر خصایل نیک و اعمال خوب وی تطبیق نماید تا عیب وی جلب توجه ننماید و از خصلت نیک وی چشم بپوشد با این نوع نگرش ادامه زندگی بیشتر تداوم می‌یابد و فرد از غم و اندوه رها می‌گردد و به شرح صدر نایل می‌آید، و از مسلم روایت است که پیامبرص فرموده است: «لا یفرك مؤمنٌ مؤمنة إنْ کرهَ منها خلقاً رضیَ آخرَ»[[87]](#footnote-87).

«هیچ مرد ایمان‌داری، زن ایمان‌داری را طرد و قطع رابطه ننماید اگر از بعضی اخلاق وی ناراضی بود، از اخلاق‌های دیگر وی راضی می‌گردد».

1. دعا جهت اصلاح تمام امور و بزرگ‌ترین و برترین آن‌ها عبارت است از: «اللهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَدُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَآخِرَتِي الَّتِي إليها مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَالْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ»[[88]](#footnote-88).

«خدایا! دینم را که سبب عصمت و نگهداری از لغزش‌هاست و دنیایم را که محل کسب معاشم می‌باشد و آخرتم را که برگشتم به آن است اصلاح گردان و هر خیری را در زندگی قرار ده و مرگ را از هر شر دیگری برایم آسان گردان و خدایا! رحمت تو را می‌طلبم و لحظۀ مرا به نفسم واگذار مکن و تمام کارهایم را اصلاح کن هیچ معبود به حقی جز تو نیست».

1. جهاد در راه خداوند «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّة، يُنَجِّي اللَّهُ بِهِ مِنْ الْهَمِّ وَالْغَمِّ». جهاد در راه خداوند بابی از ابواب بهشت می‌باشد خداوند به وسیله آن غم و اندوه را می‌زداید و این اسباب و وسایلی را که ذکر کردیم علاج سودمندی است برای بیماری‌های درونی و بزرگ‌ترین سبب معالجه قلق درونی است برای آنکه در آن‌ها تدبّر نماید و با صدق و اخلاص به آن‌ها عمل نماید و برخی از علما، بارها حالات درونی و بیماری‌های درونی را با آن معالجه نموده‌اند و از آن سود فراوان برده‌اند[[89]](#footnote-89).

5- معالجه دمل و زخم

سُفیان انگشت اشاره‌اش را بر زمین گذاشت سپس آن را بلند کرد و گفت: به نام خدای خاک، زمین ما با آب دهان عده‌ای از ما، با اذن پروردگارمان سبب شفای بیمارانمان می‌گردد و پیامبرص هرگاه کسی اظهار درد می‌نمود و یا دمل و زخمی داشت به این عمل دستور می‌فرمود: «بِسمِ اللهِ، تُرْبَةُ أرْضِنَا، بِرِيقَةِ بَعْضِنَا، يُشْفَى بِهِ سَقِيمُنَا، بإذْنِ رَبِّنَا» و حدیث به این معنی است که آب دهانش را بر انگشت اشاره می‌ریخت سپس آن را به خاک فرو می‌برد و با انگشتش خاک برمی‌داشت و آن را بر موضع زخم یا درد می‌مالید و در حال مالیدن موضع درد این دعا را می‌گفت[[90]](#footnote-90).

6- علاج و گرفتاری

﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٖ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمۡ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مِّن قَبۡلِ أَن نَّبۡرَأَهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ٢٢ لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمۡ وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٍ ٢٣﴾ [الحديد: ٢٢- ٢٣].

«هیچ رخدادی در زمین به وقوع نمی‌پیوندد، یا به شما دست نمی‌دهد، مگر اینکه پیش از آفرینش زمین و خود شما در کتاب بزرگ و مهمی بوده است و این کار برای خدا ساده و آسان است\* این بدان خاطر است که شما نه بر از دست دادن چیزی غم بخورید که از دست‌تان بدر رفته است، و نه شادمان بشوید. بر آنچه خدا به دست‌تان رسانده است، خداوند هیچ شخص متکبر فخرفروشی را دوست نمی‌دارد».

﴿مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۗ وَمَن يُؤۡمِنۢ بِٱللَّهِ يَهۡدِ قَلۡبَهُۥۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ١١﴾ [التغابن: ١١].

«هیچ واقعه و حادثۀ جز به فرمان و اجازه خدا رخ نمی‌دهد و هر کس که به خدا ایمان داشته باشد، خدا دل او را رهنمون می‌گرداند و خداوند از هر چیزی کاملاً آگاه است».

1. هر بندۀ هنگام دچار شدن به گرفتاری بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللهُمَّ أْجُرْنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا» خداوند در مصیبت وی را مأجور نموده است و بهتر از آن برای او خیر قرار داده است[[91]](#footnote-91).
2. «إِذَا مَاتَ وَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلاَئِكَتِهِ: قَبَضْتُم وَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: قَبَضْتُمْ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: مَاذَا قَالَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: حَمِدَكَ وَاسْتَرْجَعَ، فَيَقُولُ: ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتَاً فِي الْجَنَّةِ، وَسَمُّوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ».

«هرگاه فرزند بندۀ خدا بمیرد خداوند به فرشتگانش می‌فرماید آیا روح فرزند بنده مرا گرفتید؟ فرشتگان می‌گویند؟ آری، و خداوند می‌فرماید: روح جگرگوشۀ او را گرفتید؟ می‌گویند: آری و خداوند می‌فرماید: به بنده‌ام چه گفت؟ می‌گویند حمد تو را به جایی آورد و طلب رجوع کرد «انا لله و ...» پس خداوند می‌گوید برای بنده‌ام در بهشت خانۀ بسازید و آن را بیت حمد بنامید»[[92]](#footnote-92).

1. «يَقُولُ اللهُ تَعَالَى: مَا لعَبدِي المُؤْمِنِ عِنْدِي جَزَاءٌ إِذَا قَبَضْتُ صَفِيَّهُ مِنْ أهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ إلاَّ الجَنَّةَ».

«خداوند می‌فرماید: هرگاه روح برترین و محبوب‌ترین اهل و خانوادۀ بنده‌ام را بگیرم و او به آن رضایت نماید جز بهشت برای او جایگاهی نیست»[[93]](#footnote-93).

1. و پیامبر به مردی که پسرش مرده بود فرمود: «ألا تحبُّ أنْ لا تأتي باباً منْ أبوابِ الجنة إلاّ وجدتَهُ ینتظرك».

«آیا دوست نداری که به یکی از ابواب بهشت بیایید و بچه‌ات را بیابید که در انتظار توست».

«يَقُولُ اللَّهُ: إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِحَبِيبَتَيْهِ فَصَبَرَ [وَاحْتَسَبَ] عَوَّضْتُهُ مِنْهُمَا الْجَنَّةَ». «هرگاه بنده‌ام را به دو حیبه‌اش (چشمانش) ابتلا کردم و او صبر نماید و [رضایت داشته باشد] به جای چشمانی‌که از او گرفته‌ام بهشت را به او می‌دهم»[[94]](#footnote-94).

1. «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ أَذًى: مِنْ مَرَضٍ فَمَا سِوَاهُ إِلَّا حَطَّ اللَّهُ بِهِ سَيِّئَاتِهِ كَمَا تَحُطُّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا».

«هر مسلمانی به بیماری یا چیز دیگری گرفتار آید [و شکوه ننماید] خداوند همچنان‌که درخت برگ‌های خود را می‌ریزد گناهان وی را از بین می‌برد».

1. «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُشَاكُ شَوْكَةً فَمَا فَوْقَهَا إِلَّا كُتِبَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ، وَمُحِيَتْ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ».

«هر مسلمانی اگر خاری به بدن وی فرو رود به وسیله آن برای وی درجه و ثوابی مکتوب می‌گردد و به سبب آن گناهی از او می‌زداید».

1. «مَا يُصِيبُ الْمُؤْمِنَ مِنْ وَصَبٍ، وَلاَ نَصَبٍ، وَلاَ سَقَمٍ، وَلاَ حَزَنٍ، حَتَّى الْهَمِّ يُهَمُّهُ، إِلاَّ كُفِّرَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِهِ».

«خستگی و درد و بیماری و اندوه و حتی غصۀ که باعث دل‌تنگی او می‌شود هرگاه بر انسان مؤمن عارض گردد خداوند به سبب آن گناهان وی را پاک می‌گرداند».

1. «إنَّ عِظَمَ الْجَزَاءِ مَعَ عِظَمِ الْبَلَاءِ, وَإِنَّ اللهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ, فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا, وَمَنْ سَخِطَ فَلَهُ السَّخَطُ».

«بزرگی جزا و پاداش به نسبت بزرگی بلا و آزمایش است و هرگاه خداوند بخواهد قومی را دوست بدارد آنان را ابتلا می‌نماید پس هر کس رضایت نشان داد رضایت خداوند برای وی حاصل گردد و هر کس اظهار نارضایتی نماید خشم خدا برای او حاصل می‌گردد».

7- درمان غصه و اندوه

1. هرگاه بندۀ به غصه و اندوه گرفتار آید و دعای (زیر را) بخواند خداوند حزن و غصه را از دل او زدوده و به جای آن مسرّت و شادی به وی عطا نماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي».

«خدایا من بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو پیشانیم در دست قدرت توست حکم تو در باره من قطعی و قضاوتت در مورد من عادلانه است و تو را به هر نامی که خود را به آن خوانده‌ای و یا در کتابت نازل کرده‌ای و به هر کدام از بندگانت قرا داده‌ای و در علم غیب نزد خود گذاشته‌ای از تو می‌خواهم که قرآن را بهار دلم گردانی و آن را نور سینه‌ام و سبب زدودن حزن و اندوهم گردانی»[[95]](#footnote-95).

1. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَضَلَعِ الدَّيْنِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ».

«خدایا من از غصه و اندوه و ناتوانی و ضعف و بخل‌ورزی و ترسویی و کجی در دین و چیره شدن مردان بر خود به تو پناه می‌آورم»[[96]](#footnote-96).

8- درمان سختی و فشار

1. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ».

«معبود به حقی جز خداوند بزرگ، بردبار نیست، معبودی جز خداوند پروردگار عرش، والا نیست، معبودی جز خداوند پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش والا و عالی مرتبه نیست»[[97]](#footnote-97).

1. «اللهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو، فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

«خدایا به رحمت تو امیدوارم لحظۀ مرا به نفسم وامگذار و تمام حالاتم را اصلاح نما معبود بحقی، جز تو نیست»[[98]](#footnote-98).

1. «لا إِلَهَ إِلا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

«معبود به حقی جز تو نیست، منزه و پاکی و من از ستمکارانم»[[99]](#footnote-99).

1. «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي، لاَ أُشْرِكُ بِهِ شَيْئَاً».

«خداوند پروردگارم است و برای او انبازی قرار نمی‌دهم»[[100]](#footnote-100).

9- درمان و معالجه مریض برای خود

«بر روی قسمتی‌که درد و الم دارد دست بگذارید و بگو: «بسم الله» (سه بار) و هفت بار بگویید: «أَعُوذُ بِاللهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ»[[101]](#footnote-101).

10- هر مسلمانی‌که به عیادت مریض برود

و او نمرده باشد و هفت بار بگوید: از خداوند بزرگ می‌خواهم تو را شفا دهد، تندرست می‌گردد.

11- معالجه: اضطراب و هراس در خواب

«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ: مِنْ غَضَبِهِ، وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونِ».

«از خشم و عذاب خداوند و شر بندگان او و از وسوسه‌ها و تحریکات شیاطین و از اینکه نزد من حضور یابند به کلمات تامّه خداوند پناه می‌برم».

12- معالجه تب

از پیامبرص روایت شده است که فرمود: «الحُمَّى مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ فَأَبْرِدُوهَا بِالْـمَاء»[[102]](#footnote-102). «تب از گرمای جهنم است آن را با آب سرد خنک نمائید».

13- معالجه گزیدن و نیش زدن

1. خواندن سورۀ حمد همراه با جمع نمودن بزاق دهان و بر روی محل نیش تف می‌گردد[[103]](#footnote-103).
2. خواندن سورۀ کافرون و مُعَوَّذَتَیْن با آب و نمک بر روی محل گزیده شده مالش داده می‌شود[[104]](#footnote-104).

14- معالجه غضب و خشم

درمان غضب و عصبانیت به دو صورت انجام می‌گیرد.

طریق اول: پیشگیری

با اجتناب از اسباب غضب می‌توان از آن پیشگیری نمود.

این اسباب عبارتند از: کبر و غرور، خودبزرگ‌بینی، فخرفروشی، طمع ناروا، شوخی بی‌مناسبت، مسخره و مزاح و امثال این‌ها.

طریق دوم: علاج غضب در هنگام وجود آن

در چهار نوع خلاصه و محدود می‌گردد:

1. پناه جستن به خداوند از شیطان رانده شده.
2. وضوء گرفتن.
3. تغییرحالت و موقعیتی‌که فرد خشمگین بر آن قرار گرفته است. مثلاً با نشستن و یا دراز کشیدن و یا بیرون رفتن و یا با قطع‌ کردن سخن حالت خود را تغییر دهد.
4. آنچه را که در باره ثواب و جزای خشم فرو خوردن در متون دینی آمده است و آنچه را که دربارۀ عذاب و خواری خشم آمده است به یاد بیاورد.[[105]](#footnote-105)

15- معالجه با سیاه‌دانه

پیامبرص فرموده است: «إِنَّ فِي الْحَبَّةِ السَّوْدَاءِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، إِلَّا السَّامَ».

«در سیاه‌دانه، شفا و بهبودی هر درد و بیماری نهفته است جز مرگ».

16- معالجه با عسل

1. خداوند در قرآن درباره زنبور عسل می‌فرماید:

﴿يَخۡرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٞ مُّخۡتَلِفٌ أَلۡوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٞ لِّلنَّاسِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٦٩﴾ [النحل: ٦٩].

«از درون زنبورها عسل، مایعی بیرون می‌تراود که رنگ‌های مختلفی دارد که در این بهبودی مردمان نهفته است».

و از پیامبرص روایت شده است که فرموده است:

«الشِّفَاءُ فِي ثَلاَثَةٍ: فِي شَرْطَةِ مِحْجَمٍ، أَوْ شَرْبَةِ عَسَلٍ، أَوْ كَيَّةٍ بِنَارٍ، وَأَنَا أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الكَيِّ»[[106]](#footnote-106).

«در سه چیز شفاء و بهبودی یافت می‌گردد؛ در خون گرفتن با حجامت، عسل، داغ کردن با آتش، و من امتم را از داغ نمودن نهی می‌نمایم».

17- معالجه با آب زمزم

1. از پیامبرص روایت گردیده است که در باره آب زمزم فرموده است: «إِنَّهَا مُبَارَكَةٌ، إِنَّهَا طَعَامُ طُعْمٍ [وَشِفَاءُ سُقْمٍ]».

«اب زمزم مبارک است همانا آن خوراک خوشمزۀ و شفای بیمار است»[[107]](#footnote-107).

1. حدیث جابر «مَاءُ زَمْزَمَ، لِمَا شُرِبَ لَهُ» - به نیت و قصدی که نوشیده شده است به نوشنده آن فایده می‌رساند.
2. پیامبرص آب زمزم را در مشک‌ها حمل می‌کرد و بر روی بیماران می‌ریخت و به آنان می‌نوشاند و ابن القیّم/ می‌گوید: من و غیر من از استشفاء به آب زمزم، امور شگفتی را تجربه کرده‌ایم و از چند مرض به وسیله آن شفا جستم و به اذن خداوند بهبود یافتم.

18- مداوا و معالجه بیماری‌های قلب

قلب سه نوع می‌باشد:

1. قلب سلیم: قلبی است که در قیامت سبب نجات صاحبش می‌گردد:

﴿يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ٨٨ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ ٨٩﴾ [الشعراء: ٨٨- ٨٩].

«آن روزی‌که اموال و فرزندان سودی نمی‌رساند\* بلکه تنها کسی‌که با دلی سالم به پیشگاه خدا آمده باشد».

قلب سلیم قلبی است که از هر شهوت و آرزوی مخالف با امر و نهی خدا و از هر شبۀ که با گفتار خداوند تعارض داشته باشد سالم و به دور باشد از عبودیت ماسوای او و از پذیرش حکمی جز حکم رسول او محفوظ و بدور باشد.

و خلاصه اینکه در آن هیچ شریک غیرخدایی نباشد و بلکه از لحاظ عبودیت مانند محبت، توکّل، انابه، تواضع، خوف و امید، برای خداوند خالص گردیده باشد حب و بغض و عطاء وضع وی برای خداوند باشد و جسم او کردار او و خواب و بیداری او سخن گفتن او و حرف زدن او برای خدا باشد و افکار وی بر حول خداوند و رضایت او بچرخد[[108]](#footnote-108)، از خداوند متعال چنین قلبی را خواستاریم.

1. قلب میّت: برعکس قلب سلیم است و آن قلبی است که پروردگار خویش را نمی‌شناسد و بر اساس امر و حب و رضایت خداوند عبادت نمی‌نماید و بلکه با آرزو و شهوات خود در برابر خداوند ایستاده است و برای غیر خداوند پرستش می‌نماید و حب و خوف و امیدش برای غیر خداست و اگر دوست بدارد برای آرزو و هوای نفسانی خود می‌باشد و بغض و عطاء و منع وی برای هوای نفسانی است و هوی و آرزو پیشرو و قائد وی می‌باشند و سوق دهنده وی به سوی انجام عمل جهل است و مرکب وی غفلت است، از این نوع قلب به خداوند پناه می‌بریم.
2. قلب مریض: قلبی است که دارای حیات است و از آن طرف نیز بیمار است و دو چیز هر کدام به نوبۀ خود او را به طرف خویش می‌کشانند، از طرفی محبت خدا و ایمان و اخلاص و توکّل بر خداوند در آن یافت می‌شود و آن هم ماده حیات آن است و از طرف دیگر محبت شهوات حسد و غرور و خودبزرگ‌بینی نفاق و ریاء و بخل را داراست و آن ماده و عامل هلاک و ضایع شدن آنست.

قرآن علاج قلب از تمامی بیماری‌ها را بیان کرده است، و می‌فرماید:

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدۡ جَآءَتۡكُم مَّوۡعِظَةٞ مِّن رَّبِّكُمۡ وَشِفَآءٞ لِّمَا فِي ٱلصُّدُورِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ٥٧﴾ [يونس: ٥٧].

«ای مردم! به راستی که برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد، و شفایی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان است».

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ مَا هُوَ شِفَآءٞ وَرَحۡمَةٞ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا خَسَارٗا ٨٢﴾ [الإسراء: ٨٢]

«و از قرآن آنچه را که شفا و رحمت برای مؤمنان است؛ نازل می‌کنیم، و ستمکاران را جز زیان نمی‌افزاید».

بیماری‌های قلب دو نوع می‌باشد:

نوعی صاحب آن اکنون احساس درد و رنج نمی‌نماید و آن عبارتند از وجود جهل، شبهات، تردید و شک، و این بزرگ‌ترین نوع درد است اما به سبب فساد قلب احساس نمی‌شود.

و نوع دیگر آن مرض است که فی‌الحال دردآور است مانند غصه، اندوه، خشم، و این بیماری با داروهای طبیعی نیز از بین می‌رود.

و علاج قلب به چهار صورت انجام می‌گیرد:

1. به وسیلۀ قرآن کریم؛ چون قرآن شفاء و بهبودبخش است برای آنچه که در درون می‌باشد و انواع شرک و چرک کفر و امراض شهوات را می‌زداید و قرآن برای کسی‌که از حق شناخت پیدا کرده باشد و بدان عمل نماید راهنماست و کسانی‌که هم به آن دست می‌یابند مایه رحمت دنیوی و اخروی آن‌ها می‌گردد:

﴿أَوَ مَن كَانَ مَيۡتٗا فَأَحۡيَيۡنَٰهُ وَجَعَلۡنَا لَهُۥ نُورٗا يَمۡشِي بِهِۦ فِي ٱلنَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُۥ فِي ٱلظُّلُمَٰتِ لَيۡسَ بِخَارِجٖ مِّنۡهَاۚ١٢٢﴾ [الأنعام: ١٢٢].

«آیا کسی‌که مردۀ بوده است و ما او را زنده کرده‌ایم و نوری را فرا روی او قرار داده‌ایم که در پرتو آن، میان مردم راه می‌رود آیا مانند کسی‌که به مَثَل‌گویی در تاریکی‌ها فرو رفته است».

1. قلب به سه چیز نیازمند است:

الف) آنچه نیرو و توان او را حفظ نماید و آن هم عبارت است از؛ ایمان و عمل صالح و انجام اقسام عبادات.

ب) پیشگیری از عوامل مضرّ و آن هم نیز با اجتناب از معاصی و انواع مخالفت با قانون خداوند انجام می‌گیرد.

ج) خود را تخلیه نمودن از اخلاق و خصوصیات فاسده و آن نیز با توبه و استغفار حاصل گردد.

1. علاج بیماری قلب از چیره شدن نفس بر آن: دارای دو علاج است یکی؛ محاسبه و حساب‌رسی نفس، دوم؛ مخالفت با آن و محاسبه نیز دو نوع است:

الف) نوعی از محاسبه قبل از انجام عمل است و آن هم دارای چهار قسم است:

1. آیا این عمل بر او مقدور و ممکن است؟
2. آیا انجام این عمل از ترک آن بهتر است؟
3. آیا هدف از انجام این کار رضایت خداوند است؟
4. آیا در این عمل کسی او را یاری و نصرت می‌نماید اگر چنانچه نیاز به یاری و کمک دیگران بود؟ اگر جواب سؤال‌های فوق مثبت بودند فرد خود را بر انجام آن‌ها اقدام نماید و در غیر این صورت نباید به انجام آن‌ها بپردازد.

ب) نوع دیگر از معالجه قلب از چیره شدن نفس بر آن بعد از انجام عمل درمان می‌گردد و به سه طریق انجام می‌پذیرد:

* 1. محاسبه و حساب‌رسی نفس بر طاعت و رعایت حق الله که در آن قصور ورزیده و به نحو مطلوب آن را انجام نداده باشد و حقوق خداوند عبارتند از: اخلاص، متابعه، شکر نعمت، درک احسان و نیکویی، و ... .
  2. محاسبه نفس بر هر کرداری که ترک آن از انجام آن بهتر باشد.
  3. محاسبه نفس بر امر مباح و یا معمولی‌که آن را انجام نداده باشد و آیا هدف از ترک آن خدا و قیامت بوده است تا بهره‌مند گردد یا هدف وی در ترک آن دنیوی بوده است و ضررمند گردد.

خلاصه اینکه نفس خود را بر انجام فرائض محاسبه نماید و اگر در آن قصور ورزیده است آن را کامل گرداند، و بعد از آن بر ترک مناهی نفس خود محاسبه نماید و اگر مرتکب گناه شده است با توبه و استغفار آن را جبران نماید و سپس نفس را بر آنچه که با جوارح انجام داده محاسبه نماید و در آخر آن را بر غفلت محاسبه نماید[[109]](#footnote-109).

1. درمان و معالجه بیماری قلب از استیلای شیطان بر آن: شیطان دشمن انسان است و جدایی از او با استعاذۀ که خداوند مشروع نموده است ممکن می‌گردد و پیامبرص در روایت زیر استعاذه از شر نفس و شر شیطان را کنار هم و با هم جمع نموده است، و به ابوبکر صدیق می‌فرماید:«قُلْ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكَهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشِرْكِهِ، وَأَنْ أَقْتَرِفَ عَلَى نَفْسِي سُوءَاً، أَوْ أَجُرَّهُ إِلَى مُسْلِمٍ، قُلهُ إِذَا أَصْبَحْتَ، وَإِذَا أَمْسَيْتَ، وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ».

«بگو خدایا ای خالق آسمان‌ها و زمین، ای آگاه به غیب و شهادت، ای پروردگار و مالک تمام اشیاء، گواهی می‌دهم که معبود بحقی جز تو نیست، از شر نفسم و از شر شیطان و شرک او و اینکه بر نفس خود دچار بدی گردم و یا به مسلمانی بدی وارد نمایم به تو پناه می‌آورم. این دعا را هنگام صبح و شب و هرگاه به رختخواب رفتی بگویید»[[110]](#footnote-110).

استعاذه، توکل، اخلاص از چیره شدن شیطان ممانعت می‌نمایند[[111]](#footnote-111).

وصلى الله وسلم على عبده ورسوله محمدٍ وعلى آله وأصحابه أجمعین

ومن تبعهم بإحسانٍ إلى یوم الدین

1. - نگاه کنید به این أسماء و صفات که در کتاب و سنت در شرح أسماء الله الحسنى في ضوء الكتاب والسنة از مؤلف. [↑](#footnote-ref-1)
2. - ابوداود، 2/87 و ترمذی، 5/211 و ابن ماجه، 2/1358، نگا: الجامع‌الصغیر، 2/150، و ابن ماجه، 2/324. [↑](#footnote-ref-2)
3. - ترمذی، 5/566 و 5/462 و احمد 3/18، نگاه: صحیح‌الجامع، 5/116، و ترمذی، 3/140. [↑](#footnote-ref-3)
4. - به اصل کتاب مراجعه شود، ص 101-118. [↑](#footnote-ref-4)
5. - به اسم اعظم خداوند در حدیث شماره 94، 95 و 96 از این کتاب نگاه شود. [↑](#footnote-ref-5)
6. - ترجمه: بدون تردید ما از آنِ الله هستیم و بازگشت همه‏ى ما بسوى اوست. الهى! مرا در مقابل مصیبتم، پاداش ده، و در عوض آن چیز بهترى به من عنایت فرما. [↑](#footnote-ref-6)
7. - بخاری، 7/163 و مسلم 4/2070. [↑](#footnote-ref-7)
8. - بخاری، 7/59 و مسلم 20774. [↑](#footnote-ref-8)
9. - بخاری، 7/155 و مسلم 4/2080. [↑](#footnote-ref-9)
10. - مسلم، 4/2087. [↑](#footnote-ref-10)
11. - مسلم، 4/2087. [↑](#footnote-ref-11)
12. - مسلم 4 / 2088 [↑](#footnote-ref-12)
13. - مسلم 4 / 2090. [↑](#footnote-ref-13)
14. - مسلم، 4/2097. [↑](#footnote-ref-14)
15. - بخاری، 7/154 و مسلم، 4/1928. [↑](#footnote-ref-15)
16. - بخاری، 7/154 و مسلم، 4/2092. [↑](#footnote-ref-16)
17. - ابوداود، 4/224، و احمد، 431، و آلبانی آن را حسن دانسته است. [↑](#footnote-ref-17)
18. - احمد، 1/391، 452 و حاکم، 1/509. [↑](#footnote-ref-18)
19. - مسلم، 4/2045. [↑](#footnote-ref-19)
20. - ترمذی، 5/538 و احمد، 4/182 و حاکم، 1/525 و 528 و صحیح‌الجامع، 6/309، و ترمذی، 3/171. [↑](#footnote-ref-20)
21. - ابوداود، 2/83 و ترمذی، 5/554 و ابن ماجه، 2/1259، و حاکم آن را صحیح دانسته و ذهبی نیز با آن موافق بوده و به صحیح الترمذی، 3/178 مراجعه شود و احمد، 1/.127. [↑](#footnote-ref-21)
22. - ترمذی، 5/534، تحقیقِ ابراهیم عطوه، چاپ‌خانه مصطفی الیابی. [↑](#footnote-ref-22)
23. - احمد، 5/243 و ترمذی، 5/365. [↑](#footnote-ref-23)
24. - ابن ماجه، 2/1264 و احمد 6/134، ذهبی، 1/521، ابن ماجه، 2/327. [↑](#footnote-ref-24)
25. - حاکم، 1/525، صحیح الجامع، 2/398 والأحادیث الصحیحة، 4/54، شماره 1540. [↑](#footnote-ref-25)
26. - ترمذی، 5/528، حاکم، 1/258، ابن سنی، شماره 446. [↑](#footnote-ref-26)
27. - بخاری، با فتح الباری، 11/181. [↑](#footnote-ref-27)
28. - بخاری، با فتح الباری، 11/196. [↑](#footnote-ref-28)
29. - بخاری، 1/304، و مسلم، 4/2078. [↑](#footnote-ref-29)
30. - حاکم، 1/525، اذکار نووی، ص 340. [↑](#footnote-ref-30)
31. - حاکم، 1/524، صحیح‌الجامع 1/3691، الأحادیث الصحیحة 1539. [↑](#footnote-ref-31)
32. - احمد، 4/5963/375، نگا: صحیح الجامع، 1/399. [↑](#footnote-ref-32)
33. - حاکم، بیهقی، و صحیح الجامع (1/406) و إرواء الغلیل شماره 852. [↑](#footnote-ref-33)
34. - نسائی و ابوداود 2/91 و نگا: صحیح النسائی 3/1111 و صحیح الجامع 1/407. [↑](#footnote-ref-34)
35. - حاکم 1/532 و ذهبی آن را صحیح دانسته است، صحیح الجامع 1/408 و صحیح النسائی 3/1118. [↑](#footnote-ref-35)
36. - طبرانی و هیثمی در مجموع زوائد، 10/144 گفته است رجال این حدیث رجال صحیح‌اند. نگا: صحیح الجامع، 1/411. [↑](#footnote-ref-36)
37. - به روایت احمد، 4/403 و غیره، نگاه: صحیح الترغیب والترهیب، ناصر الدین آلبانی،1/19. [↑](#footnote-ref-37)
38. - ابو داود، 2/79 و ترمذی، 5/515 و ابن ماجه، 2/1267 و احمد، 5/360 – و سنن الترمذی 3/163. [↑](#footnote-ref-38)
39. - النسائی، 3/54، 55 و احمد 4/364، صحیح النسائی، 1/280 و 1/281. [↑](#footnote-ref-39)
40. - ترمذی، 5/523 و جامع الأصول، تحقیق: عبدالقادر أرناؤوط 4/341. [↑](#footnote-ref-40)
41. - نسائی، 1/198 و 199، و ترمذی، 5/515، صحیح سنن النسائی 1/86. [↑](#footnote-ref-41)
42. - نسائی، 8/255 و ابوداود، 2/9، جامع الأصول 4/363. [↑](#footnote-ref-42)
43. - نسائی، 8/278 و صحیح نسائی 3/1121. [↑](#footnote-ref-43)
44. - مسلم، 4/2084 به روایت ابوهریرهس. [↑](#footnote-ref-44)
45. - به روایت حاکم و گفته صحیح است بر شرط مسلم و ذهبی با او موافق است، 1/265. [↑](#footnote-ref-45)
46. - حاکم آن را تخریج نموده و ذهبی آن را صحیح دانسته است، 1/520. [↑](#footnote-ref-46)
47. - با تخریج حاکم و قائل به صحیح بودن است. [↑](#footnote-ref-47)
48. - حاکم، و قائل به صحت آن می‌باشد بر شرط مسلم و ذهبی با آن موافق است، 1/532. [↑](#footnote-ref-48)
49. - نسائی، 3/209، و ابن ماجه، 1/431، صحیح سنن النسائی، 1/356 و صحیح ابن ماجه، 1/226. [↑](#footnote-ref-49)
50. - ترمذی تخریج نموده است. نگا: صحیح ترمذی، 3/188 و حاکم تخریج نموده. [↑](#footnote-ref-50)
51. - احمد، 3/424. [↑](#footnote-ref-51)
52. - مسلم، 4/2072-2073، 45/2078. [↑](#footnote-ref-52)
53. - ترمذی، 5/326، شماره 3173. حاکم، 2/98، نگا: جامع‌الأصول، 11/282، شماره 8847. [↑](#footnote-ref-53)
54. - تخریج امام احمد، 6/68، 155، 4031، آلبانی در إرواء الغلیل آن را صحیح گفته است (1/155 شماره 74). [↑](#footnote-ref-54)
55. - زادالمعاد، 4/6 و 3524. [↑](#footnote-ref-55)
56. - زادالمعاد، 4/352. [↑](#footnote-ref-56)
57. - زادالمعاد، 4/178 و الجواب الکافی، ص 21. [↑](#footnote-ref-57)
58. - جواب الکافی: 22-25. [↑](#footnote-ref-58)
59. - صحیح الجامع، 3/153، شماره 3403. [↑](#footnote-ref-59)
60. - حاکم و ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است. نگاه: سلسلة الأحادیث الصحیحة 1/76، شماره 154. [↑](#footnote-ref-60)
61. - زادالمعاد، 4/68، الجواب الکافی، ص 21. [↑](#footnote-ref-61)
62. - تعویذ بمعنی: دعا کردن، و پناه خواستن، التجا کردن به خداوند متعال توسط اوراد و اذکار مشروع قرآن وسنت صحیح می‌باشد بخلاف مفهوم مشهور عام که عبارت از آویزان کردن گلو بند ودستبند و... می‌باشد. [↑](#footnote-ref-62)
63. - فتح‌الباری، 10/196. [↑](#footnote-ref-63)
64. - ورد: جزیی از قرآن است که انسان آن را در طول شبانه روز بخواند، فرهنگ عمید. [↑](#footnote-ref-64)
65. - ترمذی و ابوداود و ابن ماجه، نگا: صحیح ابن ماجه، 2/332. [↑](#footnote-ref-65)
66. - نگا: حاکم و ذهبی، 1/562 و صحیح‌الترغیب و الترهیب ناصرالدین آلبانی، 1/273، شماره 658. [↑](#footnote-ref-66)
67. - حصنُ المسلم: نیز اثری از مؤلف است در 120 صفحه که مجموعۀ از اذکارِ کتاب، سنت می‌باشد که در دمشق - بیروت در دار ابن کثیر به چاپ رسیده است. [↑](#footnote-ref-67)
68. - زادالمعاد، 4/126 و مجموع فتاوی ابن باز 3/277 و ص 108 از همین کتاب. [↑](#footnote-ref-68)
69. - ابی بن کعبس می‌فرماید: مشرکان به رسول اللهص گفتند: نسبت الهی خود را برای ما بیان کن، پس الله متعال این سوره ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ را نازل فرمود. (مسند احمد: 5/ 133 و جامع ترمذی: 3364) و دربارۀ فضیلت این سوره آمده که: ﴿قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ﴾ برابر با ثلث قرآن است». (صحیح بخاری: 7347). [↑](#footnote-ref-69)
70. - بخاری با فتح‌الباری، 9/62 و مسلم، 4/1723 و بخاری با فتح‌الباری، 10/108. [↑](#footnote-ref-70)
71. - تعاویذ جمع تعویذ بمعنی: دعا کردن، و پناه خواستن، التجا کردن به خداوند متعال توسط اوراد و اذکار مشروع قرآن وسنت صحیح می‌باشد بخلاف مفهوم مشهور عام که عبارت از آویزان کردن گلو بند ودستبند و ...... می‌باشد. [↑](#footnote-ref-71)
72. - ترمذی و ابوداود، 3/187 و ترمذی، 2/410، نگا: صحیح‌الجامع، 5/180 و 322. [↑](#footnote-ref-72)
73. - مسلم، 4/1728. [↑](#footnote-ref-73)
74. - فتح‌الباری، 10/206 و مسلم، 4/1721. [↑](#footnote-ref-74)
75. - بخاری، مع‌الفتح، 6/408. [↑](#footnote-ref-75)
76. - مسند احمد، 3/119 با اسناد صحیح، و ابن السنی شماره 637 و مجمع‌الزوائد، 10/127. [↑](#footnote-ref-76)
77. - مسلم، 4/2084. [↑](#footnote-ref-77)
78. - مسلم از ابوسعیدس، 4/1718. [↑](#footnote-ref-78)
79. - مسلم از عائشهل، 4/1718. [↑](#footnote-ref-79)
80. - سنن ابن ماجه از عباده‌بن صامتس، نگا: صحیح ابن ماجه، 2/268. [↑](#footnote-ref-80)
81. - نگا: ص 143 متن عربی همین کتاب، و فتح الحق المبین، ص 140. [↑](#footnote-ref-81)
82. - ص 141 متن عربی کتاب حاضر، و فتح الحق المبین، ص 141. [↑](#footnote-ref-82)
83. - ص 143، متن عربی کتاب حاضر، و فتح الحق المبین، ص 144. [↑](#footnote-ref-83)
84. - نگا: به بدائع‌الفوائد ابن قیم الجوزیه 3/238-245. [↑](#footnote-ref-84)
85. - نگا: فتح‌الحق المبین در علاج سحر و صرع و چشم‌زخم، ص 112، و بخاری، شماره 574. [↑](#footnote-ref-85)
86. - سنن ابن ماجه، شماره 4216، نگا: صحیح ابن ماجه، 2/411. [↑](#footnote-ref-86)
87. - مسلم، 3/1091. [↑](#footnote-ref-87)
88. - مسلم، 4/2087. [↑](#footnote-ref-88)
89. - مقدمة الوسائل المفیدة، چاپ پنجم، ص 6. [↑](#footnote-ref-89)
90. - فتح‌الباری، 10/206 و مسلم، 4/1724، شماره 2194. [↑](#footnote-ref-90)
91. - مسلم، 2/633. [↑](#footnote-ref-91)
92. - ترمذی، صحیح‌الترمذی، 1/298. [↑](#footnote-ref-92)
93. - بخاری، مع فتح الباری، 11/242. [↑](#footnote-ref-93)
94. - بخاری مع فتح الباری، 10 / 116. [↑](#footnote-ref-94)
95. - احمد، 1/391 و آلبانی آن را صحیح دانسته است. [↑](#footnote-ref-95)
96. - بخاری، 7/158، پیامبر این دعا را زیاد تکرار می‌کرد، نگاه: فتح‌الباری، 11/173. [↑](#footnote-ref-96)
97. - بخاری، 7/154 و مسلم، 4/2092. [↑](#footnote-ref-97)
98. - ابوداود، 4/324 و احمد، 5/42، آلبانی و عبدالقادر ارنؤوط آن را صحیح دانسته‌اند. [↑](#footnote-ref-98)
99. - ترمذی، 5/529، و حاکم و ذهبی، 1/505، نگاه: صحیح‌الترمذی، 3/168. [↑](#footnote-ref-99)
100. - ابوداود، 2/87، نگاه: ابن ماجه، 2/335. [↑](#footnote-ref-100)
101. - مسلم، 4/1728. [↑](#footnote-ref-101)
102. - ابوداود، 4/12، و نگاه: صحیح‌الترمذی، 3/171. [↑](#footnote-ref-102)
103. - فتح‌الباری، 10.174، و مسلم، 4/1733. [↑](#footnote-ref-103)
104. - طبرانی در صحیح‌الصغیر، 2/830، نگاه: مجمع‌الزوائد، 5/111. [↑](#footnote-ref-104)
105. - آفات اللسان، ص 110-112، و الحکمة فی‌الدعوة إلی الله، ص 64-66، از نویسنده. [↑](#footnote-ref-105)
106. - فتح‌الباری، 10/137، نگاه: در فوائد عسل، زادالمعاد، 4/50-62. [↑](#footnote-ref-106)
107. - مسلم، 4/1922، مجمع‌الزوائد، 3/286. [↑](#footnote-ref-107)
108. - نگا: إغاثة اللهفان من مصائد الشیطان، ابن القیم الجوزیة، 1/7 و 73. [↑](#footnote-ref-108)
109. - إغاثة اللهفان، ابن قیّم الجوزیة، 1/131. [↑](#footnote-ref-109)
110. - ترمذی و ابوداود، نگا: صحیح‌الترمذی، 3/142. [↑](#footnote-ref-110)
111. - إغاثة اللهفان، 1/145-162. [↑](#footnote-ref-111)